هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

"مجاهد" سال نو ۱۳۸۴ خورشیدی را به همه هم میهنان عزیز تبریک می گوید و آرزو مند است که سال نو سال توسعه و بازسازی و صلح وثبات در کشور باشد

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ ۴۷ | چهارشنبه ۲۶ حوت ۱۳۸۳ | ۵ صفر المظفر ۱۴۲۶ - 16 March 2005

شهروندان کابل دریک راه پیمایی بزرگ

با تجلیل از قیام ۲۴ حوت هرات خواهان برگزاری انتخابات پارلمانی شفاف شدند

شهروندان کابل به روز دوشنبه ۲۴ حوت برای تجلیل از قیام مردم هرات و حمایت از مجاهدین راه پیمایی مسالمت آمیزی را به راه انداختند و خواهان تأمین امنیت و تدویر عادلانهٔ انتخابات پارلمانی شدند.

این تظاهرات حوالی ساعت ۹ قبل از ظهر با اشتراک هزاران تن از شهریان کابل، از ساحات شاه دو شمشیره علیه الرحمه چهار راهی پلازا و چهار راهی پشتونستان آغاز یافت و تظاهرکنندگان با حمل شعار های: (قیام ۲۴ حوت قیامی است برخاسته از باور های اسلامی این ملت غیور)، (تدویر هرچه زودتر انتخابات پارلمانی یگانه عامل تأمین ثبات پایدار در کشور می باشد)، (دافغانستان خلک هیڅ کله سیاست له دین نه جدا نه بولي)، (شعارحذف دین از دولت شعار زیر پا گذاری قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان است)و ... در مقابل وزارت اطلاعات و فرهنگ توقف نموده و خواسته های شان را مطرح کردند. شهروندان کابل در این شعار ها از دولت خواستند تا از سانسور مطبوعات و خودسری های موجود در نظام جلوگیری نماید. وهمچنان خواستارجدی حل مشکلات اهالی کابل گردیدند. آقای نثار احمد نمایندهٔ شورای شهروندان کابل گفت: شورای شهروندان کابل

ص۸





په هیواد کي د ماشومانو تښتونه د اندیښني وړ ده

د خبري سرچینو په وینا په دي وروستیو کي دهیواد په بیلابیلو سیمو کي د ماشومانو د تښتولو او پر هغوي د جنسي تیري رپوټونه ورکول شوي دي چي په همدي اړه څه موده وړاندي دقندهار ولایت په مرکز کي د خلکو د دغو جرمونو د مخنیوي په مقصد او د جنایت کارانو د نیولو او د قانون منګلوته ئي د سپارلو په باب په پراخو مظاهرو لاس پوري کړي و.

بلخوا د بشري حقونو څارونکي ډلي دملګرو ملتونو د بشري حقوقو له کمیسیون څخه د یوه لیک په ترڅ کي غوښتنه کړي ده چي د ناټو د غړو هیوادونو پوځونه دي په افغانستان کي دخپل ماموریت د پراخولو ترڅنګ د بشري حقونو د تیري کولو مخنیوي ته هم پام واروي.

یک نگاه به سالی که گذشت

ص۲

محمد نسیم فقیری در سیمینار بحث آزاد در مرکز بین المللی مطبوعات:

جهاد مسلحانهٔ مجاهدین، کشور فروخته شده و فرورفته در کام اژدهای جهانخوار سرخ را عزت، آزادی و استقلال بخشید

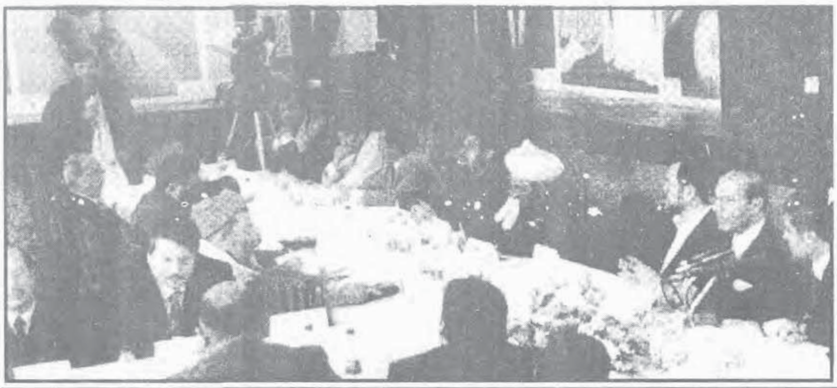
محمد نسیم فقیری سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان به نمایندگی از پروفیسور ربانی رهبر عالیقدر جمعیت اسلامی در سیمینار دو روزه یی شرکت نموده بود که به ابتکار وزارت اطلاعات، فرهنگ و توریزم در مرکز بین المللی مطبوعات به روز های چهار شنبه و پنجشنبه ۱۹ و ۲۰ حوت تحت عنوان "سیمینار بحث آزاد روی مسائل ملی" بر گزار شده بود فقیری دومین سخنران جلسهٔ قبل از ظهر روز دوم سیمینار بود که در مورد انتخابات پارلمانی و ضرورت تعدیل قانون انتخابات صحبت می نمود.

او در مورد اهمیت پارلمان و ساختار کنونی دولت گفت:

در مورد اهمیت پارلمان و ضرورت برگزاری انتخابات پارلمانی همه اتفاق نظر داریم و از نظر قانون نیز یک امر ناگزیر و غیر قابل گریز است.

با تأسف که انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات پارلمانی به صورت همزمان برگزار نشد و ما امروز با داشتن یک رئیس جمهور منتخب، همچنان در دورهٔ انتقالی به سر می بریم. این که گفته می شود دولت منتخب و حکومت منتخب، متأسفانه که درست نیست زیرا از سه نهاد یا رکن اساسی دولت یا قوای ثلاثهٔ آن، قوهٔ مقننه اصلاً به وجود نیامده، ستره محکمه که در رأس قوهٔ قضائیه قرار دارد تشکیل نشده و فقط ستره محکمهٔ موقت و حکومت موقت داریم

ص۷



روند انتقال اجساد قربانیان حادثهٔ سقوط هواپیمای کام ایر پایان یافت

سخنگوی وزارت دفاع ملی به تاریخ ۲۳ حوت ختم کار انتقال اجساد هواپیمای ساقط شدهٔ کام ایر را اعلام نمود و تعداد قربانیان حادثه را به شمول عمله ۱۰۶ نفرخواند.

در گذشته تعداد مسافران به شمول عملهٔ آن ۱۰۴ نفر اعلام شده بود.

به گفتهٔ نامبرده در لستی که از طرف شرکت کام ایر ترتیب شده بود، در پهلوی دونام علامه مانده شده بود که امکان می رود این افراد همرای خود اطفال نیز داشتند. اما فرید پیکان معاون شرکت کام ایر، تعداد اجسام انتقال شده را به دلیل این که پارچه ، پارچه شده اند تعیین ننمود.

طیاره بوئینگ ۷۳۷ مسافر بری شرکت کام ایر به تاریخ ۱۵ دلو، ولایت هرات را به قصد کابل ترک نموده بود، که در جنوب شرق کابل سقوط نمود.

ص۶

قیرریزی سرک چاریکار- پنجشیر آغاز گردید

کار قیر ریزی سرک چاریکار- پنجشر روز دوشنبه ۲۴ حوت توسط آقای حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان، احمد ضیامسعود معاون اول رئیس جمهور و آقای زلمی خلیل زاد سفیر ایالات متحدهٔ امریکا در کابل آغاز گردید.

این سرک که از شهر چاریکار الی گلبهار و از گلبهار الی بازارک پنجشیر امتداد می یابد هفتاد کیلومتر طول و ۹ متر عرض دارد. مصارف این سرک از مساعدت آمریکا تمویل می گرددو کار آن توسط کمپنی لویزبرجر به پیش برده می شود. در محفلی که به همین مناسبت در شهر چاریکار ترتیب یافته بود، آقای حامد کرزی، احمد ضیا مسعود زلمی خلیل زاد در مورد اهمیت اجتماعی و اقتصادی این سرک صحبت کردند. در این محفل مارشال فهیم، دکتر عبدالله وزیر امور خارجه، دکتر سهراب علی صفری وزیر فواید عامه و تعدادی ازمقامات دولتی اشتراک داشتند.

دکتر ادیب فرهادی رئیس دفتر بازسازی و انکشافی افغانستان:

خریداری واکسین حجاج کاملاً به گونهٔ قانونی صورت پذیرفته است

در شمارهٔ قبلی مجاهد مطلبی زیر عنوان "وزارت مالیه، از ادعا تا عمل" به نشر رسیده بود، و برویت سند ارائه شدهٔ قرار داد تهیهٔ واکسین چنان برداشت شده بود که آن قرار داد به گونهٔ غیر قانونی انجام پذیرفته است. آقای دکتر ادیب فرهادی رئیس دفتر بازسازی و انکشافی افغانستان در وزارت مالیه در تماس با مجاهد دربارهٔ چگونگی این مسأله توضیحاتی داد که با ابراز تشکر از ایشان آن را به نشر می رسانیم.

ص۵



ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

یک نگاه به سالی که گذشت

اکنون ما در روز های پایانی سال ۱۳۸۳ هجری خورشیدی قرار گفته ایم.

در این یک سال گذشته بی تردید حوادثی فراوان در کشور ما رخ داده است که لاجرم اثرات مثبت و منفی خود را بر روند زندگی جامعهٔ ما گذارده است. اما مهمترین آنها را در حیات جامعهٔ ما می توان در سه عرصه سیاست و امنیت و بازسازی نگاه کرد.

- مهمترین مسألهٔ سیاسی سال ۱۳۸۳ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بود که در طی آن برای نخستین بار مردم افغانستان به گونهٔ مستقیم به رئیس جمهور خود رأی دادند. هر چند برگزاری این انتخابات خالی از اعتراضات و نقض هایی نبود ولی آن را می توان یک تجربهٔ کلان دموکراسی پس از سالیان دراز از حاکمیت استبدادی وبحران درافغانستان خواند مشروط بر آن که انتخابات پارلمانی در کنارآن برگزار شود زیرا که انتخابات ریاست جمهوری بدون برگزار شدن انتخابات پارلمانی به پرنده یی می ماند یک بال که از او پروازی نمی آید.

- تشکیل و ثبت احزاب سیاسی را نیز می توان یکی از پدیده های مهم سیاسی در تاریخ افغانستان خواند. اکنون بیش از پنجاه حزب در وزارت عدلیهٔ افغانستان ثبت شده است.

اما اکثر این احزاب راکسانی ساخته اند که در گذشته اعضای احزاب تمامیت خواه و معتقدبه نظام دیکتاتوری پرولیتاریاو گروه های شبیه آنها بودند، اینها در حالی مجوز فعالیت به دست آورده اند که قانون اساسی تشکیل هیچ حزبی را خلاف ارزشهای اسلامی مجاز نمی داند. اما بسیاری از احزاب بزرگ افغانستان که بادید اسلامی به قضایا می بینند تا هنوز به دلائلی آشکار و پنهان نتوانسته اند مجوز فعالیت کسب کنند!

افزودن بر آن بسیاری از احزاب مجوزیافتهٔ کنونی در جامعهٔ افغانستان ناشناخته وناپیدا هستند وبا همه برخورد اینها از حمایتهای درونی وبیرونی اگر قرار باشد تظاهراتی انجام بدهند به احتمال قوی برای حمل شعارهایشان باید افرادی را استخدام کنند.

- تا هنوز چهار میلیارد وهشت صد میلیون دلار از کمک های وعده داده شده جامعهٔ جهانی به بازسازی افغانستان، پرداخته شده است. بر پایهٔ اظهارات وزیر مالیه از این مقدار تنها یک میلیارد وچهار صد میلیون آن به دولت افغانستان داده شده و بقیه توسط مؤسسات در افغانستان هزینه گردیده است.

اما این رقم بزرگ کمک اثراتی چندان ملموس در عرصهٔ بازسازی زیر ساخت های اقتصادی جز یکی دو مورد مانند اسفالت جادهٔ کابل- قندهار و جادهٔهرات- اسلام قلعه نداشته است و تازه بخشهایی از جادهٔ کابل - قندهار به شهادت شاهدان در کمتر از یک سال از ترمیم آن دوباره از میان رفته است. دریک سخن مردم روند کار کمک رسانی به بازسازی افغانستان را شفاف نمی بینند و دولت نیز در روشن ساختن آن کاری ستودنی انجام نداده است.

- در زمینهٔ امنیت کارهایی صورت پذیرفته است، اردوی ملی و پلیس ملی شکل گرفته اند،اکنون همه واحد های نظامی جز واحدهای مربوط به اردوی ملی منحل شده و به برنامهٔ DDR پیوسته اند.

با آن که بارسنگین جنگ علیه شبه نظامیان طالبان والقاعده را در جنوب وجنوب شرق کشور نیروهای ائتلاف بین المللی به عهده دارند و تأمین امنیت را در کابل و بسیاری از شهر های بزرگ نیروهای ناتو، طالبان و القاعده در صحنهٔ نبرد حضور نیرومند دارند و هیچ یک از رهبران مهم شان دستگیر نگردیده است ومی توانند گاه و ناگاه به داخل شهر کابل وشهرهای دیگر رخنه کنند و دست به کار های دهشت افگنانه بزنند. سوء قصد نافرجام به جان ژنرال دوستم در روز عید اضحی و کشتن مشاور بریتانیایی وزارت انکشاف دهات در چند روز پیش و اجرای چندین عملیات تروریستی در شهر کابل در طول سال را می توان به گونهٔ مثال یاد کرد.

افزایش کشت و قاچاق تریاک موردی دیگر است که مسألهٔ امنیت را در افغانستان به چالش خوانده است. امسال کشت و قاچاق تریاک و ایروئن نسبت به سال گذشته چندین برابر افزایش داشته و به ۹۰٪ تولیدات آن در سطح جهان رسیده است.

نظام انتخاباتی اکثریتی یا تناسبی کدام یک؟

سید ناصر تقدسی

با به تأخیر افتادن انتخابات پارلمانی، یک بار دیگر بحث هایی داغ دربارهٔ برگزاری انتخابات و استفاده از شیوه های معمول انتخاباتی بر سر زبان هاست، و این گونه مباحث در حلقات حزبی و نهادهای سیاسی بیشتر مطرح است. وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز در هفتهٔ جاری سیمیناری را در همین مورد و سایر مسائل ملی راه انداخت و در این نشست، بیشترینه اشتراک کنندگان، مخصوصاً نمایندگان احزاب سیاسی تازه تشکیل یافته، محور مباحثات خود را به مسائل انتخابات اختصاص دادند و بر ضرورت جمع آوری سلاح قبل از انتخابات و به کارگیری شیوهٔ انتخاباتی تناسبی و رویهمرفته برجسته بودن نقش احزاب سیاسی در شکل گیری شورای ملی تأکید ورزیدند.

موضوع مورد بحث این مقالت نیز مسائل انتخابات و تبیین نظام های انتخاباتی رایج در کشورهاست، هرچند این موضوع فراتر از آن است که در این نوشتار بگنجد اما کوشش بر آن خواهد بود که به گونه یی اجمال نخست شیوه های انتخاباتی موجود در کشورهای مختلف را مرور کنیم وپس از آن نتیجه بگیریم که کدام یک از این نظام ها و روش ها در اوضاع و احوال کنونی افغانستان، بهتر است مورد بهره برداری قرار بگیرد، تا هم عدالت تأمین شده بتواند و هم قانون اساسی نقض نگردد.

و چه خوب است که این بررسی را با یکی از قدیمی ترین و متداول ترین شیوه ها یعنی نظام انتخاباتی اکثریتی آغاز کنیم.

نظام انتخاباتی اکثریتی

از نظر تاریخی، نخستین شیوهٔ انتخاباتی در کشورهای اروپایی، اکثریتی است. در این شیوه هر کسی که به تناسب دیگران آرای بیشتری کسب کند، برندهٔ انتخابات خواهد بود. خاستگاه اصلی این نظام کشور انگلستان است، دراین کشور، انتخابات تا سال ۱۹۴۸م در سه حوزه اشراف، قصبه و دانشگاه ها دایر می شد؛ یعنی تقسیم بندی حوزه ها بر اساس طبقات مختلف بود و جغرافیا در این دسته بندی چندان نقشی نداشت، فلسفهٔ اصلی نظام اکثریتی در انگلستان، آن بود که هر یک از حوزه های یاد شده بتوانند برای دفاع از حقوق نهاد اجتماعی خود نمایندگانی داشته باشند. این شیوه اگرچه در عمل غیر دموکراتیک به نظر می رسد، ولی با واقعیت های آن زمان جامعهٔ انگلستان سازگاری داشت.

مهم ترین نقدی که بر این شیوه، وارد آمده، نا عادلانه بودن آن است؛ زیرا به گونهٔ مثال، در حوزه یی با ۱۰۰۰۰ رأی دهنده و ۹ نامزد در صورتی که یکی از کاندیداها ۲۰۰۰ رأی و دیگران هر کدام ۱۰۰۰ رأی بگیرند، نمایندهٔ این حوزه تنها با ۲۰٪ از کل آرا، کرسی نمایندگی را به خود اختصاص خواهد داد.

برای حل این مشکل بسیاری از کشورها کوشیدند تا حد ممکن این روش را اصلاح کنند. و در نتیجه در جهان معاصر، امروز ما شاهد گونه هایی مختلف از نظام های انتخاباتی اکثریتی هستیم.

اقسام نظام اکثریتی بر اساس تکرار مراحل انتخابات

انتخابات اکثریتی ممکن است در یک مرحله صورت بگیرد و سر نوشت انتخابات در همان مرحله تعیین گردد. اما در صورتی که برای احراز کرسی های نمایندگی در صد خاصی از آرا (نصف + یک و یا بیشتر) شرط باشد، انتخابات می تواند چند بار تکرار شود تا در صدی مورد نظر به دست بیاید. از این دیدگاه نظام انتخاباتی اکثریتی به مراحل زیر دسته بندی می گردد:

۱- اکثریتی یک مرحله یی

بر مبنای این نظام، کاندیداهایی که در یگانه مرحلهٔ انتخابات، آرای بیشتری در مقایسه با دیگران کسب کنند پیروزمندان انتخابات شمرده می شوند. این گونه انتخابات، در عمل، بسیار ناعادلانه جلوه می کند؛ چرا که یک کاندیدا با کسب در صد بسیار کمی از آرا می تواند کرسی نمایندگی را احراز کند. و در کشورهایی که این نوع نظام انتخاباتی مورد استفاده است، احزاب کوچک امیدی برای پیروزی وابراز وجود در جامعه ندارند و نا گزیرند با احزاب قدرت مند ائتلاف کنند.

> **برای کاهش دشواری انتخابات چند مرحله یی، در چهارچوب نظام تک رأی قابل انتقال، به جای تکرار انتخابات، در همان مرحلهٔ نخست، پیش بینی های لازم به عمل آید، و از رأی دهنده خواسته شود، در مرحلهٔ اول انتخابات، رأی مرحلهٔ دوم خود را نیز مشخص کند.**

۲- اکثریتی چند مرحله یی

برای حل مشکل اساسی انتخابات یک مرحله یی در برخی از کشورها شیوهٔ نظام اکثریتی چند مرحله یی گزیده شده است. در این نوع نظام انتخاباتی، انتخابات به حدی تکرار می شود تا منتخب نهایی از بالاترین در صد آرا بهره مند گردد و مشروعیت کافی کسب نماید.

بدین ترتیب انتخابات در چندین مرحله صورت می پذیرد و در هر نوبت، تعدادی از نامزدها حذف می گردند و انتخابات درمیان کسانی که از بیشترین آرا برخوردارند تکرار می شود و در پایان، فردی که اکثریت قریب به اتفاق آرا را از آن خود می کند، برگزیده می شود. طبیعی است که تحقق این شیوه در جوامعی که در برگیرندهٔ مجموعه یی فراوان از رأی دهندگان عادی و غیر حرفه یی می، در عمل دشوار است و تکرار چند بارهٔ انتخابات، گذشته از هزینه های سنگین، موجب طولانی شدن زمان انتخابات نیز می گردد.

و این هم ممکن است که برای کاهش دشواری انتخابات چند مرحله یی، در چهارچوب نظام تک رأی قابل انتقال، به جای تکرار انتخابات، در همان مرحلهٔ نخست، پیش بینی های لازم به عمل آید، و از رأی دهنده خواسته شود، در مرحلهٔ اول انتخابات، رأی مرحلهٔ دوم خود را نیز مشخص کند. یعنی از رأی دهنده تقاضا می شود، با اولویت بندی، گزینه های خود را مشخص کند؛ اگر اولویت اول او رأی کافی نیاورد به جای او چه کسی را ترجیح خواهد داد. این شیوه در کشوری قابل اجراست که در هر حوزه تنها یک کرسی به رقابت گذاشته شود.

ادامه دارد

رویکردها

۱- پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب. د.حجت الله ایوبی
۲- فرهنگ جامع سیاسی، محمود طلوعی
۳- مجلهٔ عربی زبان المجتمع، چاپ کویت.

دکب دڅلورویشتمي تاريخي پاڅون لاملونه

فقيري

د کب څلوريشتمه د افغانستان په معاصر تاريخ کي او په تيره بيا د وياړمن جهاد په اړه يو تل پاتي او نه هيريدونکي ورځ ده.

دا هغه تاريخي ورځ ده کوم چي د هرات مجاهدو او باتورو خلکو د کمونيستي رژيم او دهغه د بهرني بادارانو په خلاف د جهاد او سر بښندني علم پورته کړ او په تشو لاسونو او د الله اکبر په کفر ماتوونکو چغو د توپونو او ټانکونو مخي ته ودريدل او خپله ژوره کرکه ئي له کمونيستانو نه څرګنده کړه.

د هرات د خلکو پاڅون د افغانستان د متدينو خلکو د پرتمين او وياړمن جهاد په بهير کي د ډيرو تاريخي واقعيتونو څرګندوي دي چي د بيلګي په توګه دوه واقعيتونو ته اشاره کوو:

1ـ که څه هم د جهاد له پيل څخه لا ډير وخت نه ده تيره شوي خو ځيني کسان د ناپوهي له کبله او يا د خانګړو اغراضو له رويه وايي چي ګواکي د افغانستان د خلکو جهاد د شوروي پوځي يرغل پرخلاف شروع شوي او د 1358 کال د مرغومي د شپږمي له ناورين څخه سرچينه اخلي!! دي کسانو سره ځيني کمونيستان او په تيره خلقيان هم غږيږ دي او ادعا لري چي د شوروي له يرغل نه د مخه يو قانوني او مشروع حکومت په واك كي و او خلك هم تري راضي و او يا د زغم وړو! خو دهيواد په بيلابيلو سيمو کي او په تيره بيا د هرات د خلکو د کب دڅلورويشتمي نيټي پاڅون ددي روښانه واقعيت څرګندوي دي چي د افغانستان متدين، هوښيار او مجاهد خلك د ثور د خونړي او کرغيرني کودتا له اولو ورځونه خپله کرکه او مخالفت څرګند او د جهاد او ملي پاڅون لپاره ځانونه چمتو کول.

لنډه دا چي د افغانستان خلك هومره چي د بهرني ښکيلاك او پوځي يرغل په وړاندي ودريدل او له خپلو ديني او ملي نواميسونه ئي دفاع وکړله له هغه نه زيات له کورني ملحدينو او کمونيستانو نه کرکه لرله او دهغوي د استبدادي واك، زور زياتي، د بشري حقوقو تر پښو لاندي كول او بشري ضد جناياتو په مقابل کي د جهاد لپاره ملاتړلو ته تيايدل و.

2ـ ډير د غرض خاوندانو دا ويل چي ګواکي د افغانستان دخلکو جهاد او پاڅون يو خودجوشه حرکت و او دهغه تر شا کوم تحريك او رهبري شتون نه درلود او همدارنګه له مخکي نه کومه لاره نه ده هواره شوي!

په داسي حال کي چي ان د داوودخان په دورکي چي ځيني کمونيستان په حکومت او په وسله وال ځواك كي

7مخ

تأخیر انتخابات پارلمانی و چند ملاحظه

عبدالعلی کوهی

گفته می شود که سرزمین برای هیچکس رأی اعتماد نمی دهد، این مردم یک جغرافیای سیاسی اند که برای خود نماینده انتخاب می کنند و به پارلمان می فرستند. یکی از چالش های مهم و در عین زمان آزمون بزرگ در برابر مردم افغانستان بعد از انتخاب رئیس جمهور، همانا انتخابات نماینده های مردم در پارلمان کشور است. آنچه تا کنون در این کشور تا همین لحظه بحران زا بوده است، سرشماری دقیق جمعیت در این سرزمین می باشد. تا هنوز نه وزارت داخلهٔ افغانستان و نه هم ریاست احصائیهٔ این مملکت قادر است تا حد اقل تعداد جمعیت کشور را به طور تخمین اعلان نماید، تا به موازات آن برنامه های بازسازی، اقتصادی وغیره هدایت شود.

نه تنها آمار جمعیت در کشور نا معین است؛ بلکه یک اکثریت مطلق؛ غیر از شهرهای بزرگ، تا هنوز تذکرهٔ تابعیت به دست نیاورده اند. از سوی دیگر میلیونها انسان سالانه به شمول کوچی ها، در ماورای خط دیورند در حال تردد می باشند. از سوی دیگر دادن تذکره به زنان برخی از مناطق کشور یک بدعت نامیمون است، به ویژه گرفتن تصویر ونصب آن در تذکره تا تثبیت هویت گردند، این کار ارتباط می گیرد به توسعه وانکشاف فرهنگی جامعه که ایجاب وقت و زمان را می نماید، تا جامعهٔ سنتی و محافظه کار ما ذهناً آمادهٔ یک چنین تغییر گردند.

به هر صورت مردم ولایه های مختلف جامعه در انتظار تدویر انتخابات پارلمانی اند. زیرا در صورت تحقق این روند حکومت آقای کرزی می تواند کسب مشروعیت بیشتر نماید. در حقیقت حکومت فعلی برپایهٔ قانون اساسی ادامهٔ حکومت انتقالی است.

هر قدر این دوره تمدید گردد، بحران مشروعیت عمیق تر می گردد، تصویب قوانین، گرفتن رأی اعتماد کابینه، طرح استراتژی های بزرگ در کشور، همه و همه مربوط به پارلمان کشور است. تأخیر انتخابات هم اکنون شک و تردیدهایی را در مطبوعات کشور، درمیان احزاب سیاسی و منتقدین سیاسی و اجتماعی بر انگیخته است.

دلایل به تعویق قرار گرفتن انتخابات از طرف کمیسیون مستقل انتخابات مواردی چندعنوان شده است.

این کمیسیون از دولت مطالبه می نماید که آمار جمعیت کشور را به طور تخمینی در اختیار آن قرار دهد وهمچنان حدود ولایات و ولسوالی هایی که ظرف سال های اخیر درچهارچوب دولت به عنوان اداره های جدید در افغانستان تشکیل گردیده است غیر مشخص می باشد. تلاش هایی که از طرف ریاست احصائیه ظرف سال های اخیر در بارهٔ جمعیت در کشور صورت گرفته است مورد انتقاد مردم قرار گرفته و در برخی از موارد زمینهٔ اعتراض آنها را بر انگیخته است. مردم در ولسوالی ها و قصبات شکایات کتبی به دولت ارائه کرده اند که هیأت سرشماری جمعیت هیچگاه به ولسوالی های آنها قدم رنجه نکرده اند. اگر چیزی به عنوان سرشماری در کشور صورت پذیرفته باشد، آن سرشماری دقیق نبوده و نمی توان به آن اعتماد کرد. دولت های گذشته در افغانستان هیچگاه نخواسته اند که تعداد جمعیت در کشور مشخص و معین گردد و این بحران تا کنون به همان قوت خود باقی است. چند سر شماری نا فرجام یکبار در عهد محمد داوود و دیگر در سال ۱۳۵۸ هـ در کشور صورت گرفته است که هیچکدام دقیق نبوده و نمی شود به نتیجهٔ این سرشماری ها اعتماد کرد.

اتکا بر سرشماری سال ۱۳۵۸ و زمان محمد داوود یک تخمین غیر موجه است، همانسان که انتخابات ریاست جمهوری به این چالش ها مواجه بود و مردم آن را به مثابهٔ یک پدیدهٔ نو در حیات مدنی خویش نگریستند و به سوی انتخابات شتافتند و حلال همه مشکلات را همین انتخابات می دانستند. بیم آن می رود که عدم کفایت دولت در امر بازسازی

مردم ولایه های مختلف جامعه در انتظار تدویر انتخابات پارلمانی اند. زیرا در صورت تحقق این روند حکومت آقای کرزی می تواند کسب مشروعیت بیشتر نماید. در حقیقت حکومت فعلی برپایهٔ قانون اساسی ادامهٔ حکومت انتقالی است.

و امنیت مردم را به امر انتخابات پارلمانی بی اعتنا نموده و به فرایند آن کمترین توجه را مبذول دارند، هر قدر این انتخابات به تأخیر افتد، شک و تردیدهای جامعهٔ سیاسی ما را بیشتر خواهد ساخت و باعث هزینه های بیشتر خواهد گردید.

آیا می شود طی یک چنین مدت کوتاه، یک تخمین قرین واقعیت ازجمعیت افغانستان را دولت در اختیار کمیسیون انتخابات قرار دهد؟ آنچه که همه صاحب نظران را در این قضیه متحد ساخته است، همانا، توزیع تذکره برای اتباع افغانستان است، در غیر آن بحران اعتماد کما کان در کشور ادامه یافته و بحران جدید را به وجود می آورد و شک و نا باوری مردم را فرا می خواند. دیده شود که دولت در قبال این پرسش ها چه پاسخ هایی در آستین خواهد داشت؟

تعیین مرزهای ولسوالی ها کاری است قابل تأمل؛ زیرا بر اساس مادهٔ یازدهم قانون انتخابات افغانستان و فرمان رئیس جمهور، باید یکصد و بیست روز پیش از برگزاری انتخابات وقت برگزاری آن مشخص و اعلان شود، و نود روز پیش از روز رأی گیری کرسی های پارلمان در ولسوالی ها و ولایات نظر به جمعیت تعیین گردد.

ضرورت ثبت نام دوباره محسوس است؛ زیرا در فاصلهٔ انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، شمار افرادی که از نظر سنی واجد شرایط رأی دادن خواهند بود، افزایش می یابد وشماری از پناهندگان افغانستانی نیز از خارج به کشور باز می گردند. حساسیت و اهمیت این موضوع دولت افغانستان را بر آن وا داشته تا در سرشماری جمعیت این کشور از سازمان ملل کمک بخواهد در حال حاضر بحث روی روش های برآورد جمعیت در جریان است. یک راه حل این است که از سرشماری ۱۹۷۹م استفاده شود، اما مشکل قضیه در این است که از آن زمان تا کنون توازن نفوس مناطق برهم خورده و تغییرات سیاسی زیادی به وجود آمده است. بنا بر این بر آورد جمعیت بر اساس معیار آن زمان غیر واقعی به نظر می رسد. همچنان ابهاماتی در مورد خود انتخابات وجود دارد، از جمله وقتی دربارهٔ انتخابات پارلمانی صحبت می شود انتخابات آینده عملاً برای یک مجلس پارلمان آینده یعنی ولسی جرگه خواهد بود. در حالی که پارلمان از دو مجلس یعنی مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) ومجلس اعیان (مشرانو جرگه) تشکیل می شود. آیا ولسی جرگه بدون مشرانو جرگه صلاحیت قانون گذاری را خواهد داشت؟

در صورتی که انتخابات برای ولسی جرگه بدون انتخابات مشرانو جرگه به تشکیل شورا منجر نشود، مطابق قانون اساسی، صلاحیت اساسی پارلمان یعنی قانون گذاری در دست حکومت خواهد ماند. در این صورت ممکن است مخالفان حکومت که هم در لویه جرگهٔ قانون اساسی وهم در جریان انتخابات ریاست جمهوری خواستار کنترل قدرت رئیس جمهور و حکومت بودند، این مسأله را به یک مشکل عمدهٔ سیاسی مبدل سازند.

به باور بسیاری از تحلیلگران این ترس و بیم هاست که دولت را در بارهٔ برگزاری انتخابات پارلمانی کم علاقه ساخته است، اما به حال برگزاری انتخابات پارلمانی حتی برای ثبات و استحکام دولت نیز مفید است.

چند نکته در متن و حاشیهٔ سیمینار بحث آزاد

وزارت محترم اطلاعات، فرهنگ و توریزم ، سیمینار دو روزه یی را تحت عنوان بحث آزاد روی مسائل ملی" به روز های چهار شنبه و پنجشنبه ۱۹ و ۲۰ حوت در مرکز بین المللی مطبوعات ، برگزار نموده بود.

قبل بر این نیز در آستانهٔ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سیمینار مشابهی در آن وزارت تدویر یافته بود و این یک گام بلندی است در جهت آگاهی مردم از مسائیل روز، البته آن عده از مردمی که در شهر کابل بسر می برند و از نعمت برق بهره مندند و دارای تلویزیون !

گفته ها واظهار نظر های اشتراک کننده گان سیمینار که با صدا و تصویر ثبت شده هر یک بعد از اخبار ساعت ۹ از تلویزیون افغانستان پخش می گردد و لی در این سطور به چند موردی اشاره می شود که در مجموع نگاهی است از زاویه های مختلف به برخی از نکته های موجود در متن وحاشیهٔ سیمینار:

◄ آغاز با تأخیر: سیمینار مذکور که قرار بود ساعت ۹ صبح آغاز گردد با یک ساعت تأخیر به ساعت ۱۰ صبح آغاز گردید و گفته شد که برای حضور اشتراک کنندگان این تأخیر صورت گرفت، در حالی که مزید برآن وسایل صوتی و تصویری هنوز برای ثبت وتصویر برداری مجلس آماده نگردیده بود.

◄ توسط گردانندهٔ محترم سیمینار اعلام گردید که آجندای مشخصی در نظر گرفته نشده است و روی یک پارچهٔ بزرگ تحریر یافته بود که :

سیمینار بحث آزاد روی مسائیل ملی

در حالی که لازم بود تا سیمینار ویا بحث آزاد گفته می شد ونه سیمینار بحث آزاد!

وهمچنین عجیب است که مسائل را مسائیل نوشته بودند یعنی (ی) و (ء) را در یک خانه! وبالاخره گفته شد که بهتر است در مورد انتخابات پارلمانی اظهار نظر گردد.

◄ عدم حضور رهبران جهادی: تقریباً از هر رهبر جهادی دعوت به عمل آمده بود

و نام های شان به روی میز ها گذاشته شده بود ولی هیچکدام از آنان تشریف نیاوردند و فقط استاد اکبری رهبر حزب وحدت اسلامی ملی افغانستان آمده بودند و اظهار نظر نیز نمودند. بنده به نماینده گی از جناب استاد ربانی حضور داشتم و استاد سیاف، حضرت صاحب مجددی وپیر صاحب گیلانی کسی را نفرستاده بودند ولی نماینده از حرکت اسلامی حضور داشت.

آقای عالمی بلخی به نمایندگی از حزب جدید التأسیس "افغانستان نوین" به رهبری آقای قانونی و حاجی خلیل درهٔ صوفی به نمایندگی از حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان به رهبری آقای محقق و آقای جعفری به نمایندگی از حزب وحدت اسلامی فقط در جلسهٔ نخست شرکت داشتند.

آقای مصطفی کاظمی نیز در جلسهٔ نخست حاضر بودند ولی اظهار نظر ننمودند.

از مقامات دولتی که جناب وزیر و معین نشراتی وزارت اطلاعات، فرهنگ و توریزم به حکم میزبانی و وزیر عدلیه، رئیس کمیسیون مستقل انتخابات و رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر در چند جلسه شرکت داشتند. متباقی هر چه بود احزاب ملی و دموکرات بود که رؤسای این احزاب به صورت مرتب و دایم حضور داشتند و در دو نوبت و حتی سه نوبت اظهار نظر نمودند!

◄ سه وزیر خلقی: در این سیمینار از سه وزیر خلقی که رهبری سه حزب سیاسی را به عهده دارند، نیز دعوت شده بود که عبارت اند از عبدالرشید جلیلی و عبدالرشید آرین و شهنواز تنی که از این جمله جلیلی و عبدالرزاق حکیمی نمایندهٔ تنی هر کدام در دو نوبت اظهار نظر نمودند.

◄ ناشناخته بودن احزاب: احزابی که خود را ملی و دموکرات می خوانند و جداً بر تناسبی بودن انتخابات پارلمانی بر اساس احزاب سیاسی پافشاری داشتند و مدعی حمایت وسیع مردم نیز بودند ولی خوش بختانه ویا بدبختانه که حتی در داخل تالار نیز شناخته شده نبودند و نگارنده در نوبت دوم خود به این امر اشاره کرد و متذکر شد که حتی گردانندهٔ محترم مجبور است، تا از ایشان یعنی رهبران احزاب سیاسی ملی و دموکرات بخواهد که خود احزاب خود را نام ببرند!! نگارند ه، ناشناخته بودن احزاب مذکور را یکی از واقعیت های تلخ ویا شیرین جامعهٔ ما خواند!

◄ خواندن از روی متن: بعضی ها از روی متن های از قبل تهیه شده نظریات خود را بازگو می نمودند که از لحاظ مرتب بودن کلمات و جملات و صرفه جویی در وقت مفید بود ولی افسوس که نه تنها بعضی کلمات و جملات مرتب نبود که اضافه بر آن در خوانش آن نیز مشکل و سکتگی وجود داشت!

◄ یاد دهی و تدریس: یکی دو نفر از اشتراک کنندگان (رؤسای احزاب ملی و دموکرات) وقت نوبت های اول خویش را صرف

ص۶

به پیشواز بهار چندگاه مانده به طلوع!

باز با خاک و علف

محمد اسحاق فایز

بسمه تعالی

از رویش لبریز
نجوای باران را
به رهاکردن دردی فراخواندی که زمین
در سیه چاه های تن پوسیده اش
آگنده بود
پوسیدنی که به ریشه ها
و به ساقه ها می گوید:
ایمانی دوباره به خاک و علف
تازه کنیم
وزندگی را در زلال تالاب ها
جدا از تعفن
روحی از نو بخشیم

•••

چه عاشقانه شبی بود
آنگاه که فانوس پنجه های شگوفه
آویخت
بر بازوان درخت
و آبله
جاری بود
جاری
در تداوم بیدریغ ریزش باران
و چون سوارانی رزم آور وحشی
چهارنعل
خاک را فتح می کردند
تا بر رواق اشراق شبینه های آسمان
از ستاره
تا قوسی بیاویزند
از صدا
تا نسیم وجد آور بهار
در روحش بدمد
در زمینیان خسته را از در ماندگی
بیرون کشند،
زمینیانی که هر از گاهی
به آرمان های دیرینه خویشتن هم
تسخر می زنند
با وقاحت
و از زندگی، گیاه و درخت
نیاموخته اند:
بیلانس باید کرد،
- روی چه کسانی پا نهاد یم
- وچلچله ها را در قفس تنگ تعصب
چگونه در بند کرده ایم
تا در هزار و یک شب قرن گونهٔ تاریخ
زفاف نوعروسان را
تقدیسی از سر گیرند
در آواز
و در صدا
و این را نیز به یاد آورند
وقتی 'دیوار اسطوره ای قرن' فروریخت
مشت های مان را
به استعاره گرفته بودند
و حالیا
جذامی از تاریخ فرا روئیده است

وجذامی شده ایم،
و هیچ دوستی از قدیم،
ازاین سوی
و از آن سوی آبها
به جزیرهٔ هویت مان
قدم نگذارد
مگر برای دغدغه و وسوسهٔ ما
وقتی بر جسامت عظیم شب شکاف عمیقی افگندیم
تا آفتابی
از آن
دوباره بتابد
تسکینی آفریدند
آن دستهای عاشق را
ده سال دیگر است
گل می تراشم
بر خاره یی از ستیغ
و 'فرهاد' ی را می طلبم
تا عشق را در پسخانه های اندیشه مان
از زیر خاکستر و آوار
زندگی دوباره بخشد

•••

دیگر عشق زیبانیست؟!
دیگر
طلوع زود گذر یک اخگر
بر دریچهٔ آسمان فکرمان
ره نمی کند
تا خطی بکشد
گویی ما دیگر
بر خط هاهم تف کرده ایم
تفی خون آلود
از سل
وسرطان
و بی ارجی نسلی زاده شده است
که روزگاری
آزادی را
خواب می دیدند
وشهادت را در باغچه های توت شان
می کاشتند
دیگر با دریغ
عشق 'حماسه' نیست
'افسانه' است
و آبله های دست های من
در جهنم بی باوری
بررخی سپرده است
تالب گور ما
دیگر عشق،
در کنار چشمه ها
زمزمه نمی شود

و تازیانه های تحقیر
عمامه ها و سجاده ها را
گرد تکانی می کند
و کلاغان
جگرگاه روح مان را
با منقار
می کنند.
دیگر عشق را در باغچه های نارنج نمی بینید
زیرا روابط میان دل و دست ها
تبدیل به اسطوره هایی شده اند
که افراسیاب
و ضحاک
عصاره های آنند

×××

سلام بر تاک
سلام به بلوط و ارغوان
و سلام به سنجد و سپیدار
و وقتی همین عشق
- که از گذشته اش بریده است-
بر شاخ و برگ شان
روح زندگی عاشقانه یی را می رویاند
سلام بر ستاک ابر
وقتی در عقوبت سترونیهای شاخ و برگ مان
پیوند گر آسمان وزمین
نمی شود
و فروغ وار
تنفس هوای مانده
همچنان ملول مان
می کند

•••

در شبی که عاشقانه نبود
بر بال یک صاعقه
- وبا باران نیسانی مورب-
فروریختیم
و بر پلک های پرنیان بی آرمانی محکوم
به فرجام سیلاب
اندیشیدیم
وقتی
دهکده را
و بیشه را
در حلقوم تباهی
بلعیده دیدیم،
و حالیا که شب و ستاره همچنان ایستاده اند
بر گرده های مان
می شود جدا شد
مانند
دی
و بهار

در آخرین ساعات حلولی تازه؟

•••

دست های تان را بدهید
باید گذشت
حتی ازفرازپیکره های آنانی که دیروزدرمسیرتوفان باما بودند
و اینک
شگوفه وار
در خاک
روئیدنی خالی و منتظر دارند.
دست های تان را بدهید
تا جذام جاری
را
جراحی کنیم
و وقتی قفس
پرنده
باغ
و شگوفه
شقاوت افق' آفتاب نشست' را
می نگرند
از صلیبی
حلق آویز شویم
باژگونه!
در جذ امکدهٔ مخروب
با سکوت وندامت مرموز مان نیز

•••

اگر دوباره زنده نشوم
بهار
وزایش گیاه
وعلف
گذشته ام را
تفسیری نخواهند کرد
و تبعیدی جزیره
-جزیرهٔ ندامت-
خواهم ماند.
اگر زنده نشوم
-وبرنخیزم-
دیوار و آوار
ستیغ، خاره
بر وسعت دستهایم
می نشینند
بی آن که مرا به گذشته هایم
پیوندی باشد
زیرا حالیا با دریغی تلخ
وقتی دو پلک آنسوتر
'سکوتی سیاه'
آستین سپیدم را
'اشرار' نامید
مانند پیشانی افقی که ازخون یک غروب ترشده است
سرخ شدم
که چرا
سکوت سیاهی که 'ناموس اقدس' را
دو دسته هدیه کرد
- دیروز
امروز بر شرمگاه مخنثش
تف نمی کند؟

پسرلی او خزان

شاه محمود زیارمل

فلسفي شاعر او ستر اديب گل پاچا الفت وائي:

داچي بيرته لرخه پاتي دي شرقيان
سبب دادي چي د دوي ټول شاعران
په بهار کي د خزان تصور کاندي
ژوندي ځان کني تر تورو خاورو لاندي

هوکي! دلته د شاعر موخه داده چي د ژوند دهر بهار، د تازه شنيليو، رنګارنګ ګلانو، رڼو او سرشارو افشارونو او ورسره يوځاي د خوشبويه نسيم څخه بايد د روح او تن دخوشحالي او د فکر او ذهن د تازګي لپاره ګټه واخيستل شي همدارنګه لازم دي چي د ملي ژوند دهغو تاريخي شيبو څخه هم ګټه واخيستل شي چي له ډيرو زياتو خزانونو او تاوانونو له منلو وروسته يو اولس ته ور په برخه کيږي د ساري په توګه اولسونه د پرديو له زيبناک او ښکيلاک څخه خلاصيږي. جشنونه جوړوي دملي ژوند د پرمختګ او سمون لپاره پلانونه او پروګرامونه جوړوي، دهيواد د سمسورتيا او د هيواد والو د آبادي او نيکمرغي لپاره زيار باسي او دغه وخت دخپل ملي ژوند د سمون لپاره پسرلي بولي.

موږ بايد په پسرلي کي دخزان د سيليو د اټکل په فکر د پسرلي نعمت په لغته و نه وهو بلکي د خزان په وخت کي بايد د بهار په فکر اوسو او په دي باور ولرو چي غم او ښادي دواړه خور او ورور دي خزان او پسرلي هم همداسي دروبوله موږ بايد په پسرلي کي د ژوند له هري شيبي څخه خوند واخلو خو په خزان کي بايد خپل استقامت له لاسه ورنه کړو، مايوسي او ناهيلي دا د ميړنيو صفتونه نه دي، ميړني په پسرلي کي خوښ وي او د هغه له هري شيبي خوند اخلي خو په خزان کي بيا د پسرلي په هيله د پسرلي د بيا راستنيدو په هيله شيبي شميري، مقاومت کوي، مبارزه پرمخ بيائي، قرباني ورکوي او باور لري چي د خزان بادونه تيريدونکي دي، هغوي د طبيعت د ناموس له مخي بدليږي، خپل ځاي د پسرلي نسيم ته پريږدي خپل ځاي سمسورتيا او طراوت ته پريږدي لکه زموږ همدغه ښاغلي شاعر ګل پاچا الفت چي وائي:

نسيم يوه کرم چي دا بوټي پناه کيږي
خو فنا خيني هيڅکله نه ويريږي
نه هم ويره د خزان له زړه بهر کړه
په بهار کي دي ښکاره اصلي جوهر کړه
وده وکړه د بهار تاثير قبول کړه
د ژوندون په کارو باندي ځان مشغول کړه
که يوه ګړۍ ژوندون لري دنيا کي
خاورو لاندي لي تير نه کړي په بيديا کي
په ګلانو خپله سيمه کړه ګلزار
چي ونه اوسيږي ګوره خوارو زار

که موږ د الفت د شعر ژور مفهوم او معني ته خير شو نو موږ ته د ژوند او خلقت فلسفه رازده کوي، موږ ته د طبيعي تکامل راز را ښکاره کوي او موږ ته ددي درس راکوي چي د ژوند دښو وختونو او مناسبو شيبو څخه د خپل هيواد او هيوادوالو دودي او نيکمرغي لپاره کار واخلو، وطن مو له نورو وطنو سره سيال کړو. دښه ژوند په هڅه کي و اوسو، ذلت او خواري و نه منو، ناهيلي او نا اميدي ته په خپل زړه کي لاره ور نه کړو بلکي د ژوند له هري شيبي څخه خوند واخلو، کار وکړو، زيار وباسو او په دي هيله و اوسو چي زموږ د ژوند بوستان به زموږ په لوړ همت، مينه او افغاني شهامت تل د خزان له بادونو او د زمان له توپانونو څخه په امان پاتي شي.

چي اميد ورته د باغ او د صحرا شي
چي له فيضه ئي ګلونه راپيدا شي
چي سمسور پري باغ و بڼ د پښتونخواشي
هغه وريځي مي تر سترګو سترګو کيږي

از رویدادهای مهم سال ۱۳۸۳

۱حمل - ۱۲ نفر از اثر ازدحام هنگام تجلیل از روز اول سال در شهر مزار شریف کشته شدند.

۶ غیر نظامی در اثر بمباران طیارات امریکایی در ولسوالی چهارچینو ولایت ارزگان کشته شدند.

۲ حمل - همزمان به انجام سوء قصد ناکام علیه اسماعیل خان والی هرات، درگیری در فرقهٔ ۱۷ هرات میان طرفداران و مخالفان اسماعیل خان آغاز شد و میرویس صادق وزیر هوانوردی دولت و فرزند محمد اسماعیل خان به قتل رسید.

• شیخ احمد یاسین رهبر و بنیان گذار سازمان حماس در فلسطین توسط نیروی هوایی اسرائیل به شهادت رسید.

۵ حمل - واژگونی یک سرویس در سالنگ شمالی ۳۰ کشته و زخمی برجای گذاشت.

• عبدالعزیز رنتیسی به حیث جانشین شیخ احمد یاسین رهبر حماس تعیین گردید.

۶حمل - امریکا قطع نامهٔ سازمان ملل متحد در مورد محکومیت قتل شیخ احمد یاسین رهبر حماس از سوی اسرائیل را وتو کرد.

۷ حمل - امریکا اعلان کرد که ۲۳ تن از سربازان آن کشور در عراق و کویت تا حال خود کشی کرده اند.

۱۰حمل - دو انفجار در شهر تاشکند ازبکستان باعث هلاکت ۱۹ تن شد.

۱۲ حمل - کنفرانس برلین برای بررسی اوضاع افغانستان و کمک به بازسازی آن، با شرکت ۶۰ کشور آغاز به کار کرد. این کشورها ۸،۲ میلیارد دلار کمک را برای سه سال آیندهٔ افغانستان متعهد شدند.

۱۶ حمل - در اثر برخورد نیروهای امریکایی با مظاهره چیان در شهر نجف ۶۰ تن کشته شد که ۸ تن آنان از نیروهای امریکایی بود.

۲۷ حمل - قومندان امنیهٔ ولایت زابل با ۹ تن از همراهانش در اثر حملهٔ طالبان کشته شد.

۲۸ حمل - طالبان در دلارام ولایت فراه، ۸ تن از سربازان دولتی را کشتند.

۱۹ حمل - مسجدی در فلوجه توسط نیروهای امریکا بمباران شد که در اثر آن ۷۰ عراقی کشته شد.

• دوازده سرباز امریکا در درگیری های فلوجه و اطراف آن به هلاکت رسید.

• ۲۲ حمل - عبدالعزیز رنتیسی جانشین شیخ یاسین رهبر حماس توسط هلیکوپترهای اسرائیلی به شهادت رسید.

۳۰ حمل - سومین کنفرانس کشورهای عضو سازمان ایکو در کابل گشایش یافت.

۱ ثور - کنفرانس انکشاف افغانستان در کابل آغاز به کار کرد.

۳ ثور - تصادم دو قطار در کوریای شمالی ۴۵ کشته ۲۰۰ زخمی برجای گذاشت.

۸ ثور - حکم اعدام عبدالله شاه ملقب به سگ زرداد در کابل تطبیق شد.

۱۰ ثور - ۱۰ سرباز امریکایی در غرب بغداد در اثر انفجار ماین کشته شد.

۱۲ ثور - چهار انگلیسی و امریکایی در غرب سعودی کشته شدند.

• یک تانکر حامل گاز مایع در شهرک شیندند ولایت هرات منفجر و ۲۰ کشته برجای گذاشت.

• نه افغان در گردیز به وسیلهٔ نیروهای امرکایی کشته شدند.

۱۵ ثور - دو شهروند انگلیسی و ترجمان شان در نورستان کشته شدند.

۲۰ ثور - قدیروف رئیس جمهور چیچن در اثر انفجار یک ماین کارگزاری شده در استدیوم، هنگام مشاهدهٔ رسم گذشت کشته شد.

۲۴ ثور - سونیا گاندی بیوهٔ راجیوگاندی در انتخابات به پیروزی رسید. حزب کنگرس دوباره عهده دار تشکیل کابینه شد.

۲۸ ثور - رئیس شورای حاکم عراق در اثر انفجار یک بم در شهر بغداد به قتل رسید.

۵ جوزا - ایدس جان سه تن را به عنوان اولین قربانیان در افغانستان گرفت

۶ جوزا - (۲۰) تن در اثر بمباران طیارات امریکایی در سپین بولدک کشته شد.

۹ جوزا - زلزله یی به شدت ۶،۲ درجهٔ ریشتر در شهر قزوین ایران جان ۲۶۰ تن را گرفت.

• ۵۰ نفر خارجی در شهر النجار عربستان سعودی توسط تروریستان به گروگان گرفته شدند.

۱۳ جوزا - پنج نفر دکتر بدون سرحد در قادس بادغیس کشته شدند.

۱۶ جوزا - رونالد ریگان رئیس جمهور سابق امریکا به عمر ۹۳ سالگی در لوس انجلس درگذشت.

۲ سرطان - شورشیان چیچنی طی یک حمله در انگوشتیا ۷۱ تن را کشته و ۱۰۰ نفر را زخمی کردند.

۴ سرطان - شورشیان عراقی طی حملاتی در چهار شهر عراق ۱۰۰ تن را کشتند که درمیان آنها ۱۳ سرباز امریکایی شامل بود.

۹ سرطان - پال پریمر حاکم امریکایی عراق قدرت را به ایاد علاوی صدر اعظم عراق تسلیم کرد.

۱۱ سرطان - محاکمهٔ صدام حسین دیکتاتور پیشین عراق در بغداد آغاز شد.

۱۲ سرطان - زلزله یی در شمال شرق ترکیه ۱۸ تن را کشت

۲۶ سرطان - آتش سوزی در یک مکتب در جنوب هندوستان ۸۴ کودک را هلاک کرد.

۱ اسد - لیلا صراحت روشنی شاعر معاصر افغانستان به عمر ۴۶ سالگی در هالند وفات یافت.

۵ اسد - بخشی از ساختمان شفاخانهٔ جمهوریت در کابل فرو ریخت و موجب هلاکت ۱۰ تن از کارگران آن شد.

۸ سنبله - انفجار یک بم جا به جا شده در شهر نو کابل ۷ تن را کشت.

۱۰ سنبله - طیارات امریکایی طی بمباردمانی در کنر ۶ فرد ملکی را کشتند.

۱۱ سنبله - جدایی طلبان چیچن شاگردان یک مکتب را در جمهوری خود مختار اوستیا به گروگان گرفتند.

۱۲ سنبله - بحران گروگان گیری در مکتبی در اوستیا با حملهٔ نیروهای روسیه به پایان رسید. در نتیجهٔ این حمله(۲۰۰) تن کشته شد و (۵۰۰) نفر زخمی گردید.

۱۶ سنبله - مردم به دو مؤسسهٔ خارجی در شهر فیض آباد حمله کرده و دفاتر مذکور را به آتش کشیدند.

۲۶ سنبله - حامد کرزی از یک سوء قصد در شهر گردیز جان به سلامت برد. او قرار بود برای اجرای کمپاین انتخاباتی به آن شهر برود که هلیکوپتر حاملش با راکت مورد حمله قرار گرفت.

۷ میزان - حملهٔ امریکا به شهر سامرادر عراق آغاز شد و بیش از ۱۰۰ عراقی در آن کشته شد.

۱۵ میزان - احمدضیا مسعود معاون انتخاباتی آقای کرزی در فیض آباد بدخشان از یک سوء قصد جان سالم بدر برد.

۱۸ میزان - انتخابات ریاست جمهوری افغانستان برگزار شد.

۷ عقرب - سه کارمند خارجی دفتر مشترک تنظیم انتخابات در شهر کابل ربوده شدند.

۱۳ عقرب - شیخ آلنهیان زعیم کشور امارات متحدهٔ عربی به عمر ۸۳ سالگی در گذشت.

• نتایج انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به نفع آقای کرزی اعلان شد.

۲۱ عقرب - یاسر عرفات بنیان گذار سازمان الفتح و رهبر فلسطینیان در فرانسه در یک بیمارستان نظامی درگذشت.

۳ قوس - سه کارمند خارجی دفتر تنظیم مشترک انتخابات که به وسیلهٔ سپاه جیش المسلمین در کابل ربوده شده بودند، آزاد شدند.

۷ قوس - نیروهای امریکایی شبانه در بتی کوت حمله کرده و سه تن به شمول یک زن را دستگیر کردند. مردم فردایش در اعتراض به این دستگیری دست به اعتصاب زدند که در نتیجه یک مظاهره کننده کشته شد.

۸ قوس - طالبان بر مؤسسهٔ "وارا" در فراه حمله کرده سه کارمند وزارت احیا و انکشاف دهات را کشتند.

۱۷ قوس - حامد کرزی در کابل سوگند وفاداری یاد کرد.

۲۱ قوس - رمضان بشر دوست ۱۹۳۵ انجوی داخلی و خارجی را منحل اعلان کرد.

۲۲ قوس - بشر دوست از سمت وزارت پلان استعفا کرد.

۲۶ قوس - زندانیان پاکستانی در زندانی پلچرخی دست به شورش زدند. در این میان دو پلیس و ۴ شورشی کشته شدند.

۱ جدی - اجساد ۶ تن از یک منزل در کارتهٔ نو کشف شد.

۶ جدی - زلزله یی به شدت ۹ درجه ریشتر در جنوب شرق آسیا به وقوع پیوست این زلزله در نزدیکی ایالت آچهٔ اندونیزی اتفاق افتاد. امواج تشکیل شده از این زلزله که در قعر اقیانوس اتفاق افتاد، صدها کیلومتر به سوی سواحل رانده شد که در نتیجهٔ آن خسارات جانی ومالی فاجعه باری از اندونیزی تا شمال شرق افریقا به بار آورد.

۱۱ جدی - شمار تلفات زلزلهٔ سونامی به ۱۲۵ هزار تن رسید.

۱۱ جدی - آتش سوزی بزرگی در یک نایت کلپ در بونس آیرس مرکز ارجنتاین ۱۷۴ نفر را کشت.

• ۱۴ جدی - شمار تلفات زلزلهٔ اقیانوس هند به ۱۶۵ هزار تن بالغ شد.

۲۷ جدی - شمار کشته شدگان زلزلهٔ سونامی در اقیانوس هند به ۲۲۰ هزار انسان رسید.

۱دلو - جنرال دوستم از یک سوء قصد جان سالم به در برد.

۸ دلو - جادهٔ دوغارون - هرات پس از بازسازی توسط آقایان کرزی و خاتمی رؤسای جمهوری افغانستان و ایران گشایش یافت.

• یک فروند طیارهٔ شرکت کام ایر با ۱۰۶ سرنشین آن در ۲۵ کیلومتری شرق کابل سقوط کرد.

• شمار قربانیان سونامی در جنوب شرق آسیا نزدیک به ۳۰۰ هزار تن اعلان شد.

۲۴ دلو - رفیق حریری صدر اعظم سابق لبنان در اثر یک انفجار قوی در بیروت به قتل رسید.

۱۸ حوت - اسلان مسخدوف رهبر شورشیان چیچن در شمال چیچن به وسیلهٔ سربازان روسیه به شهادت رسید.

خریداری واکسین حجاج کاملاً به ...

جهت فرستادن حجاج کشور به خانهٔ خدا همه ساله وزارت حج و اوقاف با سفارت عربستان سعودی قراردادی را به امضا می رساند، یک مادهٔ آن واکسین شدن حجاج افغانی توسط واکسین ACWY135 می باشد که این امر زیر نظر مسؤولان انجام می پذیرد. اما مسؤولیت تهیه و تدارک این واکسین را وزارت صحت عامه به دوش دارد. بناءً بعد از ملاحظات وزارت صحت عامه و تطبیق این واکسین، به حجاج ویزهٔ حج صادر می گردد.

متأسفانه امسال واکسینی را که به این منظور وزارت صحت عامه از هند خریداری کرده بود، مورد نظر نبود یعنی به جای واکسین مورد نظر واکسین Mening coccique A+C را وارد ساخته بودند که قیمت هر دوز آن به ۱۳ دلار امریکایی تمام می شد. وقتی سفارت عربستان سعودی مطلع شد که واکسین مورد نظر خلاف پروتوکول تهیه شده است، از دادن ویزه برای حجاج افغانستان ابا ورزید.

این در حالی بود که حدود بیشتر از ده روز به پرواز حجاج باقی نمانده بود، روز بعد آن مجلس وزرا دایر گردید و این موضوع را مورد بحث قرار داد، بالآخره رئیس جمهور به وزیر مالیه فرمان داد تا هرچه زودتر این واکسین خریداری گردد و در غیر آن هیچ یک از ۳۰ هزار نفر که برای حج ثبت نام نموده بودند، نمی توانستند عازم حج شوند.

از این که تمام قراردادها در حضور داشت هیأت و در دفتر خدمات بازسازی و انکشافی افغانستان ARDS اجرا می شود. بعد از اخذ تصمیم در مجلس کابینه، وزیر صحت عامه خانم سهیلا صدیق، وزیر مالیه آقای اشرف غنی احمدزی، آقای حکمت رئیس حج، وزیر اقتصاد آقای فرهنگ و وزیر خارجه آقای دکتر عبدالله، به این دفتر آمدند و دربارهٔ به چگونگی خریداری واکسین ها تصمیم گرفتند.

بعد از تماس با سفارتخانه های افغانستان در خارج دریافتند که این واکسین را تنها یک کمپنی انگلیسی به نام Glaxo دارد. وزیر صحت عامه و ریاست فارمسی، کمپنی عمر درانی را مورد اعتماد دانستند و وارد نمودن واکسین را به دوش آن کمپنی گذاشتند و وزیر صحت عامه، وزیر مالیه و رئیس شرکت عمر درانی قرار داد را به امضا رسانیدند.

دربارهٔ این مسأله که چرا قیمت واکسین جدید وارد شده نظر به سابق، گران تر تمام شد؟

باید گفت که واکسین نخستین ضرورت به Ice box نداشت و واکسین هایی بعداً وارد شده به Ice box ضرورت داشت بناءً وزن قیمت حمل و نقل را نیز بیشتر ساخت و هم چنان نسبت ضیقی وقت به هر قیمتی که شده بود وارد نمودن واکسین مهم به نظر می رسید.

هم چنان باید بگویم که کمپنی Glaxoو شرکت درانی کارهای خود را تمام کردند ولی با آنهم تا وقتی که واکسین جدید از طرف وزارت صحت عامه تأیید نشد، پول این کمپنی پرداخته نشد.

قابل یاد آوری است که پول به شرکت درانی به سه قسط داده می شد که قسط سوم آن تا حال به آن تأدیه نگردیده است که این کار به حکم رئیس جمهور و فیصلهٔ شورای وزیران انجام گرفته است که نظر به هیچ قانونی اشکال ندارد.

احمد الصیفی مدیر مرکز دعوت اسلامی برازیل:

یهودیان مطبوعات و رسانه های برازیل را علیه اسلام و مسلمانان به کار می گیرند

برگرداننده: عبدالله فرزاد

آنچه را در سطور زیر می خوانید متن گفت و گپی است که مجلهٔ عربی زبان المجتمع با آقای احمد الصیفی مدیر مرکز دعوت اسلامی آمریکای لاتین در برازیل، دربارهٔ پیشینهٔ مسلمانان در این کشور و وضعیت کنونی آنان انجام داده است.

• بارز ترین چلینج هایی که مسلمانان در برازیل و آمریکای لاتین به آن رو به رو اند کدام است؟

– مشکلات و چالش هایی که مسلمانان به آن مواجه هستند عبارت است از کمبود در آمد و ناتوانی مسلمانان از تأمین مصارف کار دعوت و نبود مدارس کافی برای فرزندان مسلمان. مؤسسات اسلامی مقیم برازیل امکانات مالی درست، برای اکمال پروژه های دعوتی ندارند، و این امر باعث شده است که فرزندان مسلمان در جامعه و فرهنگ برازیلی ذوب شوند.

نسل جدید مسلمان در این کشور توانایی سخن گفتن به زبان عربی و زبان مادری خود را ندارند و داعیانی که به برازیل می آیند زبان مردم برازیل را نمی فهمند و از این رو تفاهم آنها با جوانان مسلمان خیلی مشکل است و نتیجه یی به دعوت شان مرتب نمی گردد.

مشکل دیگر مسلمانان در برازیل ازدواج دختران مسلمان با نصرانی ها ست که به یک پدیدهٔ ملموس بدل شده، و انگیزهٔ این موضوع هم به پایین بودن سطح فهم دینی دختران وعدم همآهنگی میان آنان بر می گردد، خلاصه این که در مجموع مشکلات ما، ضعف اقتصاد، کمبود دعوتگران و محدود بودن مدارس دینی و مراکز اسلامی است؛ مراکز و مدارسی که وظیفهٔ تعلیم و تربیهٔ دینی فرزندان مسلمان را باید به عهده داشته باشد.

• تا چه حد مسلمانان برازیلی در ادای شعایر دینی خود آزادی دارند؟

– در برخی جای های برازیل از یک سلسله تضادها علیه مسلمانان نمی توان انکار کرد ولی اکثریت قریب به اتفاق مردم برازیل تعصب نژادی و دینی ندارند و حکومت برازیل هم واقعاً با مسلمانان در جهت فراهم کردن زمینه های ادای شعایر دینی شان کمکهایی قابل توجه انجام می دهد.

• چنان که می دانیم در کشورهای اروپایی یورش هایی علیه اسلام از طریق رسانه ها صورت می گیرد، آیا در برازیل هم، چنین کاری وجود دارد؟

– بلی، یهود مطبوعات و رسانه های جمعی را در سراسر جهان در اختیار دارد، بلندگوهای بزرگ، روزنامه های پر تیراژ، مجلات مشهور، دستگاه های رادیو و تلویزیون های جهانی در دست یهود است و این وسایل را همه وهمه، برضد مسلمانها به کار می گیرند. ولیکن ما هم به سهم خود، در راه توضیح حقیقت و تبیین اسلام به ملت برازیل کوشش می کنیم و توانستیم با این تلاش ها توجه مردم برازیل را به سوی خود جلب نماییم و از همین جهت است که آنان در برهه های مختلف و در اوقات بحرانی در کنار ما ایستاده می شوند، اما یهودی ها در هر حال از توطئه دست بردار نیستند و از مشکلات پیش آمده در جهان اسلام مانند جنگ وعملیات تروریستی که از طرف عناصر مزدور انجام می شود سوء استفاده می کنند و چهرهٔ اسلام را برای مردم وارونه جلوه می دهند و دین اسلام را به عنوان یک پدیدهٔ ضد بشری و حامی تروریزم معرفی می نمایند.

مسیحیت دین دومی مردم برازیل است وهیچ گونه خصومتی هم ازطرف مسیحی ها علیه مسلمان ها در این کشور مشاهده نمی شود.

• تصمیم دولت فرانسه در خصوص ممنوعیت حجاب اسلامی، بر دختران مسلمان برازیلی چه تأثیر داشت؟

– در واکنش به این تصمیم، ملت برازیل مهربانی هایی زیاد نسبت به هموطنان مسلمان خود نشان دادند و زمانی که حکومت فرانسه منع حجاب را اعلام کرد، بلا فاصله کانالهای تلویزیونی برازیل با نشر این خبر، این پرسش را مطرح کردند که "تصمیم فرانسه مبنی بر منع حجاب عادلانه است یا خیر؟ و شما با این فیصله موافق هستید یا نه؟!" ، در پاسخ به این سؤال همه برازیلی ها تصمیم دولت فرانسه را ظالمانه و نژادگرایانه خواندند و ۹۱٪ مردم با آن مخالفت نمودند.

• برای تمییز گوشت مذبوح از غیر آن، اصطلاح "حلال" در بین اروپایی ها شیوع یافته است، در برازیل هم برای مسلمانان گوشت حلال شرعی وجود دارد یا نه؟

– برازیل از بزرگ ترین کشورهای صنعتی و صادر کنندهٔ گوشت مرغ به محسوب می شود، و قابل یاد دهاتی است، مرغهایی که از طریق شرکت (الیسره و سادیا) ذبح می گردد، همه مطابق شریعت و به دست مسلمانان صورت می گیرد و در حلال بودن آن شکی نیست.

• در برازیل چند مؤسسهٔ اسلامی است و استقامت های کاری آنها چگونه می باشد؟

– در برازیل بیشتر از پنجاه مؤسسهٔ اسلامی فعالیت دارد و در بخش های مختلف کار می کنند، اما چیزی که به مرکز دعوت اسلامی مربوط می شود این است که این مرکز در سال ۱۹۸۷م تأسیس شده و فعالیت های آن بیشتر درمیان جوانان متمرکز است، برای دانشجویان دانشگاه ها و مدارس برنامه های مختلف ترتیب می کند، دوره های آموزشی دایر می نماید و بخشی هم، در این مرکز، به مسلمانان تازه وارد اختصاص یافته است و در خصوص دعوت برازیلی ها به اسلام نیز این مرکز سهم به سزا دارد، و تا کنون کتب اسلامی زیادی را به زبان های رایج در این کشور همچون پرتگالی، انگلیسی و هسپانیه یی ترجمه کرده است.

• پیشینهٔ مسلمانان در برازیل به کدام تاریخ بر می گردد؟ وفعلاً در این کشور چقدر مسلمان زیست می کند؟

– پیشینهٔ مسلمانان در این کشور به روزگار دور و به تاریخ اکتشاف برازیل بر می گردد، از سال ۱۸۸۴ میلادی مهاجرت مسلمانان به این کشور آغاز می شود و امروز شمار مسلمانان این سرزمین تقریباً به سه میلیون نفوس می رسد، هرچند این آمار تخمینی است نه تحقیقی. مسلمانان به تناسب نفوس ۱۸۰میلیونی برازیل، یک اقلیت هستند، و تعداد زیادی از مسلمانان این کشور، در گذشته ها مخصوصاً بین سال های ۱۹۰۷ — ۱۹۴۵م به دلیل نبود داعیان مسلمان هویت خود را از دست داده اند ونصرانی شده اند.

• آیا در برازیل از طرف مؤسسات دینی ادیان دیگر علیه مسلمان ها توطئه و دشمنی هست یا چگونه؟

– مسیحیت اولین دین در برازیل شناخته می شود، و آمریکای لاتین جایگاه مذهب مسیحی کاتولیک، آرتودکس و پروتستانت است، و مسلمانان، با آن که ۱،۵۴٪ ساکنان برازیل را شکل می دهند ولی بحمد الله اسلام بعد از مسیحیت دین دومی مردم است وهیچ گونه خصومتی هم ا زطرف مسیحی ها علیه مسلمان ها در این کشور مشاهده نمی شود.

چند نکته در ...

یاددهی و تدریس مفاهیم و واژه ها نمودند و از معنی و مفهوم پارلمان و انواع دموکراسی ها صحبت نمودند و در حقیقت صفحاتی چند از یک کتاب را برای اشتراک کنندگان خواندند!

◄ یک خانم که معین یکی از وزارت ها بود (امور زنان) از وزارت علم وفرهنگ! تشکر کرد و از لویه جرگهٔ پارلمانی! یاد نمود!

◄ یک خانم دیگر که در سطح رسانه ها بسیار مطرح است و عضو کمیسیون تسوید قانون اساسی نیز بوده است، ولسی جرگه را با شورای ملی به اشتباه گرفت و در خطاب به رئیس کمیسیون مستقل انتخابات و در مورد تشکیل نشدن مشرانو جرگه سؤال نمود که چگونه می توان بدون مشرانو جرگه، تعیین وزرا را تأیید نمود. همچنین او فکر می کرد که پارلمان یعنی ولسی جرگه ولی پس از اظهار نظر او فرمان و قفه یا تنفس فرا رسید و بلافاصله توسط نگارنده به آوازی که همه شنیدند به او گفته شد که تأیید ولسی جرگه در گزینش وزرا شرط است و نه شورای ملی! و همچنین پارلمان یا شورای ملی متشکل است از ولسی جرگه ومشرانو ونه فقط ولسی جرگه!

◄ یک رهبر دیگر با افتخار گفت که حزب او خواهان سیکولر شدن دولت افغانستان است که یک اشتراک کنندهٔ دیگر در نوبت خود آن را خلاف قانون اساسی خواند و به صراحت گفت که سیکولریزم و کمونیسم در افغانستان جایی ندارد.

◄ نمایندهٔ شهنواز تنی گفت که از سیستم های انتخاباتی اطلاعی ندارد زیرا کشور ما یک کشور عقب مانده است!!

◄ نمایندهٔ کنگرهٔ ملی به صراحت موضوع پایگاه نظامی آمریکا را مطرح و انتقاد نمود.

◄ گفتنی است که بعضی ها در سه نوبت وبعضی ها در دو نوبت ویک نوبت اظهار نظر نمودند ولی یک دو نفر حتی برای یک بار نیز وقت نگرفتند!

◄ هفته نامهٔ مجاهد که در کنار سایر نشریه ها برای توزیع گذاشته شده بود به زودی غایب گردید واین یک عمل قصدی و خلاف اصول و ارزش های دموکراسی و آزادی مطبوعات است و معلوم نیست که چه کسی و یا نهادی این عمل خلاف را مرتکب شده است. بنده موضوع را به سمع معین نشراتی و گردانندهٔ سیمینار رسانیدم وایشان اظهار بی اطلاعی نمودند و گفتند که تقصیر از مانیست!

◄ در اخیر یک نکتهٔ بسیار مهم در مورد نماز ظهر و این که چگونه و در کجا ادا شد؟ و بنده هر چه پرسیدم گفتند که در زمان طالبان در همین تالار نماز می خواندند و بالاخره مرا به اتاق سرباز نگهبان نزدیک در ورودی وزارت رهنمایی کردند و در آن اتاق نماز ظهر را ادا نمودم.

ایران ۵۰ میلیون دلار در بازسازی افغانستان مساعدت می نماید

دولت ایران ۵۰ میلیون دلار امریکایی کمک بلا عوض برای افغانستان در عرصه های سرک سازی ، زراعت و مخابرات وعده نموده است. انوارالحق احدی وزیر مالیه ضمن اعلام این مطلب، در یک کنفرانس خبری به تاریخ ۲۰ حوت گفت که در جریان سفر سه روزه اش به ایران ، مقامات ایرانی باوی این وعده را نموده اند. قرار اظهارات احدی از جمله کمک های مذکور ۲۲ میلیون دلار امریکایی برای اعمار سرک هرات-میمنه ، ۱۰ میلیون برای بازسازی سرک های کابل، ۱۰ میلیون برای احیای سیستم مخابرات کابل- کندهار و ۶۰۰ هزار آن در عرصهٔ زراعت به مصرف خواهد رسید. همچنان برنامهٔ آموزشی در بخش گمرکات نیز شامل این مساعدت می گردد. این کمک ها از جمله کمک های کشور ایران می باشد که در کنفرانس توکیو آن را وعده داده بود.

ایران در کنفرانس توکیو که در سال ۱۳۸۰ دایر شده بود مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار امریکایی را به افغانستان وعده نموده بود که از جمله ۲۵۰ میلیون آن قرضه می باشد.

به گفتهٔ احدی از جمله کمک های بلا عوض ایران ۶۸ میلیون دلار نزد ایران باقی مانده است و متباقی آن در پروژه های بازسازی افغانستان به مصرف رسیده است. احدی گفت: در مورد۲۵۰ میلیون دلار قرضهٔ ایران تا هنوز تصمیمی نگرفته اند.

روند انتقال اجساد ...

به گفتهٔ عظیمی تا کنون ۱۱ جسد به اقارب آنان تسلیم داده شده است.

در این طیاره علاوه از افغانها حدود ۲۰ نفر سرنشینان آن را خارجی ها تشکیل می دادند عظیمی افزود که شناسایی و تثبیت هویت قربانیان و تسلیم دهی اجساد به خانواده های آنها ادامه دارد. تیم دکتران ایتالیایی در مورد شناسایی اجساد مشغول تحقیقات اند و از عدم دریافت بکس سیاه هواپیمای مذکور خبر داد.

بکس سیاه، دستگاهی است که تمام مکالمات بین پیلوت هواپیما و برج کنترل را ثبت می نماید و در مقابل حرارت مقاوم باشد.

دریافت دستگاه مذکور در شناسایی عوامل علت سقوط طیاره کمک می نماید.

جهاد مسلحانهٔ مجاهدین، کشور فروخته ...

زیرا مطابق به احکام قانون اساسی ، تأیید ولسی جرگه در گزینش وزرا، اعضای ستره محکمه و رؤسای سره میاشت، د افغانستان بانک و امنیت ملی شرط می باشد، از این جمله فقط رئیس جمهور منتخب داریم که در رأس قوهٔ مجریه قرار دارد.

فقیری در بارهٔ انتخابات و ضرورت تعدیل قانون انتخابات به دو مطلب در مورد انتخابات ریاست جمهوری و به دو مطلب در مورد انتخابات پارلمانی اشاره نمود و گفت:

نه تنها قانون انتخابات که حتی قانون اساسی نیز دارای اشکال و قابل تعدیل می باشد و از جمله:

۱- مادهٔ ۶۱ قانون اساسی که در فقرهٔ ۴ مادهٔ ۱۷ قانون انتخابات نیز تکرار شده، می گوید:

"هر گاه یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری در جریان دور اول یا دوم رأی گیری ویا بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد برگزار می شود". خدا را شکر که انتخابات ریاست جمهوری بدون کدام حادثه برگزار شد و هر گاه خدای ناخواسته یکی از کاندیداها که حتی کم تر از یک فی صد آرا را به دست آورده بود، فوت ویا کشته می شد، ما مجبور بودیم تا انتخابات مجدد را برگزار نماییم و می دانیم که انتخابات چه مصارف و هزینه هایی دارد و چقدر کار و مشکلات! در این انتخابات جامعهٔ بین المللی به ما کمک کرد و شاید در انتخابات بعدی ما مجبور باشیم که خود هزینه های آن را بپردازیم که بسیار گران خواهد بود، بنا بر این لازم است تا این احتمال (فوت) فقط محدود به کاندیداهای قوی و رقبای جدی گردد و نه شامل کسانی که حتی کمتر از یک در صد، رأی می آورند!

۲- مادهٔ ۶۱ قانون اساسی می گوید که وظیفهٔ رئیس جمهور در اول جنوری سال پنجم بعد از انتخابات پایان می یابد و این در صورتی درست است که با تاریخ آغاز به کار همزمان (ماه جوزا) باشد. به این حساب وظیفهٔ جناب آقای کرزی که در ۱۷ قوس ۸۳ به کار آغاز کرده است در ۱۷ قوس ۸۸ پایان می یابد یعنی پنج سال تکمیل می گردد و هر گاه آن را در اول جوزای سال پنجم بعد ازانتخابات یعنی سال ۸۸ محاسبه نماییم پس شش ماه و ۱۷ روز کمتر از پنج سال می گردد هرگاه اول جوزای سال ۸۹ را در نظر بگیریم پس پنج ماه و ۱۴ روز تمدید می گردد که معلوم نیست پایه و استناد قانونی آن چه خواهد بود و چرا تهیه کنندگان قانون اساسی به این امر توجه نداشته اند!

و اما در مورد قانون انتخابات:

۱- مادهٔ ۸۳ قانون اساسی می گوید که حوزه های انتخاباتی درقانون انتخابات تعیین می گردندولی مادهٔ۱۱قانون انتخابات می گویدکه حوزه ها را فرمان رئیس جمهور تعیین می کند و این مطلب یاد آور یکی از نشریه ها، برای من است که در صفحهٔ اول نوشته بود: "په اسلام کی دښځي حقوق" و در زیر عنوان نوشته شده بود که په دریم مخ کی ولولی و باز در صفحهٔ سوم همان عنوان آمده بود یعنی په اسلام کی د ښځي حقوق و در زیر آن نوشته شده بود که "په راتلونکی گنه کی ولولی".

۲- فقرهٔ چهار مادهٔ ۲۲ در مورد کاندیداهای ولسی جرگه که در مواد ۳۲ و ۳۶ هم در مورد کاندیداهای شورای ولایت و ولسوالی تکرار شده می گوید:

" هر گاه کاندیدایی نتواند کرسی خود را اشغال نماید ویا به دلایلی کرسی را در دورهٔ ولسی جرگه ترک نماید، کرسی وی برای میعاد باقی مانده به کاندیدای بعدی دارای بیشترین آرا تعلق می گیرد".

پس هر گاه در یک حوزه دو کاندیدا داشته باشیم و اولی نود در صد ودومی ده در صد آرا را به دست بیاورد و کاندیدای اولی نتواند کرسی خویش را اشغال ویا آن را ترک نماید، پس کاندیدای دومی به صورت اتوماتیک آن کرسی را به دست خواهد آورد یعنی کسی فقط ده در صد آرا را به دست آورده است!

پیشنهاد می نمایم تا کاندیدایی برنده اعلام گردد که از حمایتّ حد اقل پنجاه در صد به علاوهٔ یک رأی دهندگان مانند انتخابات ریاست جمهوری برخوردار باشد.

در حالی که لازم است تا در همچو موارد برای بار دوم انتخابات برگزار گردد که در جمهوری اسلامی ایران به نام انتخابات میان دوره یی ودر پاکستان انتخابات ضمنی یا مدترم خوانده می شود و پیشنهاد می نمایم تا کاندیدایی برنده اعلام گردد که از حمایت حد اقل پنجاه در صد به علاوهٔ یک رأی دهندگان مانند انتخابات ریاست جمهوری برخوردار باشد.

سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان در جلسهٔ بعد از ظهر روز دوم سیمینار و در بخش پایانی آن برای بار دوم نوبت گرفت و در مورد جنگ وتفنگ وشیوه های انتخابات چنین گفت:

چون چندبارازجنگ وتفنگ صحبت شد پس ناگزیرم تادراین موردبه اختصارصحبت نمایم:

همان طوری که رئیس جمهور ما جناب آقای کرزی نیز بارها گفته اند که باید میان مجاهد و تفنگ سالار و جنگ برادر کشی و جهاد و مقاومت در برابر تجاوز خارجی و استبداد باید جداً فرق قایل شد، لازم است تا بگوییم که:

هرجنگ وهرتفنگ قابل نکوهش نیست بلکه در بسا موارد یک امتیاز و فخر آفرین هم است.

مجاهدین با جهاد مسلحانهٔ خویش، کشور فروخته شده و فرورفته در کام اژدهای جهانخوار سرخ را با نثار خون های پاک خویش عزت ، آزادی و استقلال بخشیدند و امروز ما به برکت همین قربانی هاست که در این سالن دور هم جمع شده و از آزادی ودموکراسی صحبت می نماییم.

در مورد شیوه های انتخابات باید گفت که سیستم تناسبی، اکثریتی و رأی واحد و غیر قابل ا نتقال هر کدام دارای معایب و محاسنی می باشد ولی هر گاه ما مردم را مجبور بسازیم که حتماً به احزاب رأی بدهند، این یک اجبار خواهد بود که با موازین دموکراسی نوپای ما سازگاری ندارد.

همچنین احزابی که این سیستم را پیشنهاد می نمایند و بر آن پافشاری دارند، شناخته شده نیستند و دارای پایگاه مردمی نمی باشند و چه بخواهیم ویا نخواهیم، این یکی از واقعیت های تلخ ویا شیرین جامعهٔ ماست.

این احزاب حتی در داخل همین تالار شناخته شده نیستند و گردانندهٔ محترم از ایشان می خواهد تا خود را و تشکیل خود را معرفی نمایند! گر چه این سیستم به نفع احزاب کوچک و اقلیت های قومی و مذهبی است ولی بهتر است تا پارلمان آینده در مورد گزینش سیستم انتخابات تصمیم بگیرد ودر انتخابات آینده سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال عملی گردد.

و اما در مورد اعداد و ارقام و ضرب زدن ها که یکی از شرکت کنندگان آن را خیلی عجیبه و ناممکن جلوه داد، همان طوری که بر قانون انتخابات ایراد گرفتم اکنون در حمایت آن (در این مورد خاص) باید بگوییم که این حکم قانون که احزاب سیاسی می توانند برای صد فی صد کرسی ها کاندیدا داشته باشند فقط اجازه است و نه اجبار!

واحزابی که نمی توانند کاندیدا معرفی کنند، نکنند و تعداد کمی که دارند به آن اکتفا نمایند!

واما اعداد و ارقامی که در مورد فوتو کاپی کارت ها داده شد نباید ضرب گردد زیرا کاندیداهای ولسی جرگه و شورای ولایت و ولسوالی هر کدام می توانند فوتوکاپی همان کارت ها را ارائه کنند نه این که افراد دیگری را بیاورند و ما این اعداد را ضرب نماییم بلکه یک فرد می تواند هم به کاندیدای ولسی جرگه رأی بدهد و هم به کاندیدای شورای ولایت.

خلیلزاد در معرکهٔ ...

با روش ادارهٔ عراق با پل بریمر حاکم امریکایی عراق اختلاف داشت. خلیل زاد با تجربهٔ جهاد افغانستان به این باور بود که سیاست اشغال و ادارهٔ مستقیم به صورت همزمان موجب تقویت قیام مردم خواهد گردید. تا این که سرانجام به عنوان سفیر و نمایندهٔ خاص رئیس جمهور آمریکا در افغانستان جانشین رابرت فن گردید.

خلیل زاد در جریان کارش در افغانستان با استفاده از اصلیت افغانی خویش ونیز سابقهٔ کار با مجاهدین، رابطهٔ نزدیکی با دولتمردان جدید برقرار نمود. از او این شکایت نیز وجود داشت که در پردهٔ سفیر یک کشور خارجی، شخص اول افغانستان بوده و دامنهٔ مداخلات وی خیلی بیشتر از حد مجاز برای یک سفیر است. این شکایت نه تنها در داخل افغانستان مطرح بود بلکه سخنان تند وی در برابر پاکستان به خاطر نادیده گرفتن عملیات تروریستی از آنسوی مرز، موجب خشم پاکستان نیز گردید و در همان موقع نیز گفته می شد که پاکستان از امریکا خواسته است تا خلیل زاد را وادار سازد که با سخنان غیر مسؤولانه و خارج از حیطهٔ صلاحیت یک سفیر، به خرابی بیشتر روابط میان افغانستان و پاکستان نپردازد.

تلاش های او برای مهار رهبران قدرتمند محلی با تهدید و تطمیع و با موفقیت همراه بود. او با دقت تمام برنامهٔ برکناری اسماعیل خان از مسند ولایت هرات را طرح ریزی کرد. اسماعیل خان متهم بود که به حقوق بشر و حقوق زن احترام نمی گذارد و از مرکزی ساختن عواید ولایت هرات خودداری می ورزد و با برنامهٔ خلع سلاح و ملکی سازی همکاری نمی کند اما اینها بهانه هایی بود که برای پاکسازی یک منطقهٔ مهم و استراتژیک عنوان می شد. منطقه یی که همسرحد با ایران بود و همچنان قرار بود که بخشی از مسیر پایپ لاین گاز از ترکمنستان به پاکستان از این طریق عبور نماید. شرکت های نفت و گاز از دیر باز دخیل در تحولات افغانستان بوده اند.

چیزی که جورج بوش را برای دورهٔ دوم به قدرت رساند، آن بود که او به پیروزی برنامه هایش در افغانستان تأکید داشت و حتی مشکلات آمریکا در عراق در عقب پردهٔ تبلیغات پیروزی در افغانستان کم رنگ جلوه داده شد.

خلیل زاد زمانی افغانستان را ترک می کند که انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان با موفقیت برگزار شده، روندی که امریکایی ها اصرار دارند تا آن را دموکراسی بنامند، مطابق برنامه پیش می رود، روند خلع سلاح و ملکی سازی به پایان خویش نزدیک گردیده و آخرین فرمانده نیروی مستقل نظامی در شمال یعنی جنرال دوستم نیز قرار است به یک وظیفهٔ تشریفاتی به کابل بیاید.

خلیل زاد به این دلیل به عراق فرستاده می شود که اقدامات وی در افغانستان قرین موفقیت بود و اکنون او باید تجربیات خویش در افغانستان را در آن کشور درگیر جنگ به کار بگیرد. اما سؤال این است که آیا خلیل زاد در عراق نیز به اندازهٔ افغانستان موفق خواهد بود؟

خلیل زاد در عراق نیز دوستانی دارد که در گذشته شکوه های خویش از بریمر را به او می بردند. اما شرایط افغانستان با عراق کاملاً متفاوت است. خلیل زاد در کشور زادگاه خویش مشکل زیادی در تماس با مردم و قدرتمندان محلی نداشت. کشوری که پس از سالها جنگ، تشنهٔ صلح و ثبات و بازسازی بود و وعده های کمک های بزرگ مالی برای یک آیندهٔ خوب در این کشور خریدار داشت اما در عراق وضع به کلی متفاوت است.

شرایط در عراق طوری نیست که از طریق رشوه و تطمیع و یا تهدید بتوان در اوضاع تأثیر ملموسی برجا نهاد. به سخن دیگر وضع عراق به شرایط دوران جهاد در افغانستان شباهت بیشتر دارد تا به اوضاع امروز افغانستان. اما همان گونه که اشاره شد خلیل زاد از تجربهٔ کار در آن فضا نیز بی بهره نیست.

رفتن خلیل زاد از افغانستان به یک معرکهٔ دیگر تا حدودی می تواند به معنی کم اهمیت شدن افغانستان و در نتیجه کاهش کمک ها باشد همان گونه که وزیر مالیه انوار الحق احدی به کم شدن میزان کمک ها در سال آینده اشاره داشت.

پیش از این نیز بعضی از روزنامه های معتبر امریکایی نوشته بودند که دوام جنگ در عراق سبب شد تا بخشی از کمک هایی که قرار بود به افغانستان داده شود در جنگ عراق به مصرف برسد.

این که خلیل زاد در آینده سفیر امریکا در افغانستان نخواهد بود به این معنی نیست که او یکسره از مسائل مربوط به افغانستان کنار خواهد رفت. هرچند همین تغییر نیز می تواند موجب خوشنودی پاکستان باشد. مردی که سال های متمادی در رابطه با مسائل افغانستان حد اقل به سه رئیس جمهور در امریکا مشوره داده است، در آینده نیز یک سره از جریانات مربوط به افغانستان برکنار نخواهد بود زیرا هنوز کار های انجام ناشده باقی است که یکی از مهم ترین آنها تمدید خط لولهٔ گاز از ترکمنستان و از مسیر افغانستان است.

دکب دخلورویشتمی ...

دواك خاوندان و او دهمدي لـه املـه د افغانستان اسلامي غورځنګ دهغوي پـه خلاف ودريدل، ځيني مشران شهيدان او ډير شمير په زندانونو كي واچول شول او ځيني مهاجرت تـه اړ شول او د كمونيستانو پرضد پـه كار او فعاليت كولو بوخت وو چي د بل ناورين پيښ شو او همـاغـه د داوودخان مخالف مجاهدين د كمونيستانو پرخلاف دهيواد لـه سرحدي سيمونه خپل مسلح جهاد پيل او دهيواد ګوټ ګوټ تـه وغځول شو پـه دي توګه دايو واضح او بر بنډ واقعيت دي چي جهاد او پاڅون لـه همغـه اولي ورځي نـه ځرګند مركز او مشخص مشرتوب درلود او د جهاد مشران او پيل كوونكي هم لـه پخوانـه پـه افغانستان كي پيژندل شوي شخصيتونه او د سياسي مبارزاتو سابقه لرونكي و.

بلـه داچي دجهادي مشرانو د يو ګډ تشكل لـه جوړولو او د ديني علماوو او جهادي مشرانو لـه خوا د يوي ګډي فتوا پـه صادرولو سره، د مجاهدينو تيت او پرك مسلح عمليات پـه پراخ ملي پاڅون بدل شو او لومړي پاڅون پـه هرات كي پيل شو دهرات د خلكو تاريخي پاڅون او دهغوي بي ساري سربنديني او پـه زرګونو شهيدان د افغانستان د وياړمن جهاديو زرين بـاب دي كوم چي د هغوي د باتورو شازلمو پـه پاكو وينو ليكل شوي او ددي غيرتـي خاوري اتلو بچيانو بـه تر ابده پوري پري وياړ ولري.

دهرات دخلكو زړه ور پاڅون د كمونيستي رژيم واكداران دي تـه اړ كړ چي لـه خپل شوروي بادارنـه د چټكي پوځي مرستي او د سرتيرو دليږلو غوښتنـه وكړي او وليدل شو چي بهرني پوځي يرغل هم نـه يـواځي ونشو كړاي چي د كمونيستي رژيم دنسكوريدو مخـه ونيسي بلكي د افغانستان دخلكو د جهاد او سربنديني لـه بركتـه پخپلـه شوروي ښكيلاك هم د تاريخ كندي تـه وغورځيد او نړي خور سور ښامار چي نړيوالي سولي او دولسونو آزادي تـه يولوي اوستر ګواښ او خطرو د تورو خاورو لاندي شو او پـه پاي كي دهيوادونو او دلسونو د خلاصون او آزادي لپاره لاره هواره شوه چي داټول د افغان جهاد او دهرات د ميړنو خلكو د پاڅون يوه ستره لاس ته راوړنه ده.

دهرات د كب دخلورويشتمي د پاڅون د شهيدانو سپيڅلي روح دي ښاد وي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال سوم شمارهٔ ۴۷ چهارشنبه ۲۶حوت ۱۳۸۳ ۵ صفر المظفر ۱۴۲۶ – 16 March 2005

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

خلیلزاد در معرکهٔ دیگر

به نظر می رسد که زلمی خلیل زاد سفیر و نمایندهٔ خاص رئیس جمهور ایالات متحدهٔ آمریکا در افغانستان آخرین روز های ماموریت خویش را در این جا سپری می کند. قرار است وی به ماموریت دشوار دیگری فرستاده شود. این بار نوبت عراق است.

خلیل زاد یک امریکایی افغانی الاصل است که تحصیلات خود تا مرحلهٔ بکلوریا را در لیسهٔ غازی، در کابل به پایان رسانیده و سپس غرض تحصیلات عالی عازم بیروت گردید و از دانشگاه امریکایی بیروت ماستری گرفت. با شعله ورشدن جنگ داخلی در لبنان، او به آمریکا رفت و پس از گرفتن دکترا از یکی از دانشگاه های امریکا، به کار های سیاسی پرداخت. در دوران جهاد افغانستان، زلمی خلیل زاد در امور افغانستان مشاور رونالد ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا و از کارمندان وزارت خارجهٔ آمریکا بود و سفر های متعددی به پاکستان داشت. او همه رهبران مجاهدین را از نزدیک می شناخت. خلیل زاد مدتها با مؤسسهٔ تحقیقاتی راند در مسائل استراتژیک همکار بود. او مدتی هم با شرکت یونیکال به عنوان مشاور همکاری کرد. این همان شرکتی است که گفته می شد طالبان را در رسیدن به قدرت یاری نمود تا زمینه برای تمدید خط لولهٔ گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان فراهم آید.

خلیل زاد در آغاز ظهور طالبان از این حرکت به عنوان یک حرکت بازدارنده از جنگ داخلی در افغانستان حمایت کرد و امیدوار بود که با برقراری صلح، کار تمدید لولهٔ گاز آغاز گردد اما با تغییر سیاست خلیل زاد به مخالفت با این حرکت آغاز کرد. او در زمان ریاست جمهوری کلنتن از کسانی بود که می خواست آمریکا در افغانستان مداخلهٔ نظامی مستقیم داشته باشد اما کلنتن و حزب دموکرات علاقه یی به این امر نشان نمی دادند و بیشتر به فکر مسائل داخلی آمریکا بودند. خلیلزاد پس از به قدرت رسیدن جورج دبلیو بوش و قبل از یازدهم سپتامبر از کسانی بود که برای تدارک مقدمات حملهٔ نظامی آمریکا به افغانستان مورد مشوره قرار گرفت.

وحید مژده



پس از یازدهم سپتامبر و حملهٔ نظامی مستقیم آمریکا به افغانستان که منجر به سقوط طالبان شد، هرچند خلیل زاد سفیر در افغانستان نبود اما در رابطه با مسائل افغانستان همچنان فعالیت داشت. پس از حملهٔ آمریکا به عراق و سرنگونی رژیم صدام حسین، خلیل زاد مدت کوتاهی در عراق نیز ایفای وظیفه نمود اما وی ص۷

امتحان متفرقهٔ کانکور
اطلاع رسانی نا درست و چند اشکال وابهام

در روز جمعه بیست ویک حوت سال جاری امتحان کانکور متفرقهٔ کابل در حوزه های مختلف این شهر با اشتراک صدها داوطلب برگزار گردید.

این درحالی است که تعداد زیادی از داوطلبان این کانکور به دلیل عدم اطلاع رسانی درست از امتحان باز مانده اند.

درشب سه شنبه از طریق تلویزیون ودربخش خبری ساعت۹، تاریخ امتحان اعلان گردید وداو طلبان سه روز وقت در اختیار داشتند تا کارت های ورود به جلسهٔ امتحان را به دست آورند.

نکتهٔ مهم این جاست که چرا فقط سه روز قبل از امتحان باید تاریخ آن اعلان گردد، درحالی که حداقل ده الی پانزده روز قبل باید این کار صورت می گرفت.

امتحان کانکور امسال اولین آزمایش جدی برای وزارت محترم تحصیلات عالی – بعداز تغییر وتبدیلی هایی که دراین وزارت صورت گرفت – بود،که متأسفانه ناموفق انجام شد و قبل از این نیز این وزارت در مورد شرکت نکردن محصلان ولایت خوست در کانکور، بسیار ضعیف عمل کرده بود.

وزارتی که اگر شما به داخل آن تشریف ببرید، شاهد اشتباهات فراوان انشایی در آگاهی ها و تابلو های آن خواهید بود.

نوشته هایی مثل "نظر به فصیلهٔ شورای عالی مقام محترم وزارت...." که بهتر بود کلمات مقام محترم وزارت را حذف می کردند چون مقام وزارت به شخص وزیر اطلاق می شود و شورای عالی با وزیر تفاوت های زیادی دارد. البته این اشتباهات انشایی وحتی املایی در لوحه ها و تابلو های شهر کابل نیز به پیمانه یی زیاد به چشم می خورد ولی نباید لوحه های شهر را با لوحه های وزارتی چون وزارت تحصیلات عالی مقایسه کرد!

یا این که در تابلو های مخصوص روزنامه ها در تاریخ ۲۴ حوت، روزنامه های انیس و اصلاح مؤرخ ۲۹ سنبله به نمایش گذاشته شده بود!

از وزارتی که تحصیلات عالی نام دارد، و باید فهمیده ترین و چیز فهم ترین افراد در آن به کار گماشته شوند چنین اشتباهاتی غیر قابل انتظار است، به هر صورت بر می گردیم به افرادی که از امتحان کانکور بازمانده اند، چه راه حلی برای آنها وجود دارد؟

به اثر فشار های وارده ازجانب داوطلبان، وزارت تحصیلات عالی تصمیم گرفته است تا داوطلبان را که به هر دلیل نتوانسته اند در امتحان شرکت کنند، به چهار ولایت ننگرهار، هرات، کندهار و بلخ ـ هر جایی را که داوطلب بخواهد ـ معرفی نماید و در آن ولایت از آنها امتحان اخذ گردد.

البته این کار نیز دارای مشکلاتی خواهد بود. اگر امتحان در ولایات نیز مانند کابل با عجله برگزار گردد، چگونه داوطلبان می توانند خود را به ولایات مورد نظر برسانند؟

ما پیشنهاد می کنیم چون تعداد داوطلبانی که نتوانسته اند در امتحان سهم بگیرند زیاد است، وزارت تحصیلات عالی در فیصلهٔ خویش تجدید نظر نماید و از این دواطلبان باید در شهر کابل امتحان گرفته شود.

با تأسف که در اعلان امتحان دوم متفرقه که شام یکشنبه ۲۳ حوت از طریق تلویزیون پخش گردید باز هم اشکالات و ابهاماتی وجود دارد که با اعلان های نصب شده در ساختمان وزارت تحصیلات عالی همخوانی ندارد.

در اعلان تلویزیون گفته شد که فارغان چهار ولایت ذکر شده و ولایات همجوار آن ولایت ها در مراکز آن چهار ولایت باید امتحان بدهند وفارغان لیسه های کابل بایست یکی از آن چهار ولایت را در عرایض خویش انتخاب نمایند. و تاریخ امتحان بعداً اعلان می گردد.

در مورد این اعلان باید گفت که تکلیف داوطلبان فارغ از لیسه های بیرون از مرز روشن نگردیده است. و نگارندهٔ این سطور که فارغ یکی از لیسه های ایران است، نمی داند چه کار کند زیرا فقط در حوزهٔ کابل ثبت نام نموده است و فارغ از کدام لیسهٔ کابل نمی باشد بنا بر این لازم بود تا ثبت نام در حوزه ملاک قرار می گرفت و نه فراغت از آن حوزه!

البته تجربهٔ دیگری را که وزارت تحصیلات عالی انجام داده این است که امتحان لیسه های کابل را نه به صورت همزمان ودر یک محل بلکه در جاهای مختلف و در برهه های زمانی متفاوت برگزار کرد. که باید به انتظار نشست و دید که وزارت تحصیلات عالی در سال های آینده از همین روش استفاده خواهد کرد ویا بر خواهد گشت به تجربه های سابق!

رهبر مبارزان چیچن به شهادت رسید



اسلان مسخادوف رهبر مبارزان چیچن هفتهٔ گذشته توسط سازمان های جاسوسی ارتش روسیه در حومهٔ گروزنی پایتخت چیچن با چند تن از یاران خود، بعد از دو دهه مبارزه به شهادت رسید.

محل اختفای او که در یک زیر زمین بود افشا گردید و ارتش روسیه با انفجار دادن محل اختفا، وی را به قتل رساند دولت روسیه حاضر نگردید جسد مسخادوف را به اقاربش تسلیم نماید. سالیان متمادی ارتش شوروی در تلاش اسارت و یا قتل مسخادوف بودند و حتی ده میلیون دلار امریکایی پاداش سرش را تعیین نموده بودند. نفوذ حقیقی مسخادوف در چیچن همیشه موضوع بحث میان تمام طبقات مردم اعم ازدوست ودشمن بود.

او مانند دیگر هموطنانش، در تبعید زاده شد خانوادهٔ او با سایر چیچینی ها توسط ستالین در سال ۱۹۴۳ تبعید شده بود و خانواده اش، در حالی که او شش ساله بود، در سال ۱۹۵۷ از تبعید، به وطن برگشت.

او در ارتش سرخ اتحاد شوروی وقت به حیث افسر توپچی مقرر شد، و در هنگری در سرکوبی مبارزان ملی لیتوانیا که توسط ارتش سرخ به سال ۱۹۹۱ صورت گرفت، اشتراک کرد اما فوراً از این عمل اظهار ندامت نمود.

نامبرده در سال بعدی به حیث رئیس ستاد ارتش جمهوری استقلال طلب چیچن انتخاب شد.

در سال های خدمت به حیث رئیس ستاد ارتش در حالی که همیشه در جنگ و گریز با ارتش شوروی بود، لباس های منظم و چهرهٔ پاک و بشاش داشت که حیرت ملاقات کنندگان را بر می انگیخت اما او هیچ وقت نتوانست به حیث یک رهبر سیاسی نه نظامی عرض اندام نماید. مسخادوف از نظر جوامع بین المللی به عنوان یک شخصیت میانه روشناخته شده بود و با قتل وی، کشورهای غربی اعلان کردند که آخرین شانس صلح در قفقاز نابود گردید.

با تجلیل از قیام ...

به هیچ گروه سیاسی وابسته نمی باشد او ضمن سخنانش از دولت خواست تا در ادارات دولتی شفافیت موجود باشد واز فساد اداری جلوگیری شود.

خانم قدریه یزدان پرست یکی دیگر ازسخنران د این تظاهرات بود که گفت: استفادهٔ سوء از بیت المال در دولت به اوج خود رسیده است و رشوه حتی به سطح قضا نیز وجود دارد که این خود ضعف مدیریت دولت می باشد. او از وضع امنیتی شهر کابل وعدم شفافیت در دستگاه دولت نیز شکایت کرد و گفت:

ما در کشور خود به امنیت ضرورت داریم و می خواهیم همه مردم ما مصون باشند اما طوری که دیده می شود نا امنی در شهر کابل به اوج خود رسیده است. وشفافیت د رکارهای دولت وجود ندارد.

مظاهره چیان ضمن حمایت از جهاد و مجاهدین از مشکل نبود مکاتب، کلینیک ها ، آب و برق در اطراف کابل شکایت نمودند و خواستار برگزاری انتخابات پارلمانی شفاف در وقت معین آن شدند.

این راه پیمایی با شعارهای الله اکبر و زنده باد مجاهدین ادامه یافت و در اخیر این راه پیمایی قطعنامه یی صادر گردید که کاپی آن به دفتر ریاست جمهوری، سفارت آمریکا در کابل و دفتر ملل متحد نیز تسلیم داده شد و تظاهر کنندگان گفتند تا به خواسته های شان پاسخ مثبت داده نشود تظاهرات را ادامه خواهند داد.

ملکیار